

نابود باد جنگ؛ مرگ بر
خمینی؛
زنده باد صلح و آزادی

نبرد خلق

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
پیر و برنامه (هویت)

دوره چهارم - سال چهارم
مهر ماه ۶۶ - شماره ۴

۱۲ صفحه - ۵۰ ریال

جاویدان باد هفتادمین سالگرد انقلاب کبیرا کتبر



با پیروزی انقلاب کبیرا فصل نویسی در رهایی بشریت از قید استثمار و بندگی گشوده شد. تأثیرات این تحول از حوزه ملی خارج و جنبه جهانی یافت و موجب رشد و گسترش انقلابات پرولتری و جنبش های رهایی بخش گردید. پس از پیروزی انقلاب کبیرا و با پیروزی انقلابات سوسیالیستی و رهاشدن در نقاط مختلف جهان اردوگاه سوسیالیستی بوجود آمد.

در اکتبر ۱۹۱۷ در کشور پهنای روسیه آرزوی صدها میلیون از محرومان و زجرکشیدگان جهان در انقلابی عظیم و پر شکوه تحقق یافت. سوسیالیسم و قدرت کارگران به واقعیت مادی تبدیل گشت. پرولناربا زنجیر اسارت و بردگی را از هم گسست و پوزه سرمایه داران و مترجمان و تمامی سازشکاران را بخاک مالید.

انقلاب اکتبر با شکست نظام سرمایه داری در روسیه و برقراری جمهوری شورایی بشارت نامبودی امپریالیسم جهانی، انحصارات بین المللی و مالی را به توده ها نوید داد.

انقلاب پر شکوه سوسیالیستی اکتبر با استقرار شوراهای کارگران، سربازان، دهقانان، توده ها را بر سرنوشته خود حاکم گردانید و دموکراسی واقعی صلح، نان و آزادی را برای توده ها به ارمان آورد. انقلاب اکتبر بمانند نقطه عطف تاریخی و سهمگینی تحول در آغاز عصر کنونی، تفسیر کنفی برجسته ای در جنبش اجتماعی و آگاهی اجتماعی بشریت ایجاد نمود.

جنگ ارتجاعی رژیم خمینی چگونه اداره می شود

رژیم جنگ افروز خمینی با تمام توان ارتجاعی و ضد انقلابی اش جنگ ضد ملی و ضد مردمی را ادامه می دهد. این رژیم تمامی دستگاه خود را برای جنگ بسیج نموده و تمامی منابع ملی و درآمد کشور را به جنگ اختصاص میدهد. رژیم خمینی به گورهای سازماندهی نموده که بتواند در تمام مراکز دولتی و خصوصی و نیز در تمامی نقاط کشور، از طریق شبکه هرم ولایت فقیه و ایادی آن، نیروی انسانی مالی و تدارکاتی تنور جنگ ارتجاعی اش را تهیه کند. همانگونه که در کربلای معلی مشاهده میشود، در راه همه امور مربوط به جنگ، خمینی قرار دارد. خمینی تمام امور مربوط به جنگ را شخصا زیر نظر دارد. پس از خمینی، شورای عالی دفاع قرار دارد که اعضای آن عبارتند از: رئیس جمهور، رئیس ستاد مشترک ارتش و وزیر، وزیر دفاع، رئیس ستاد مشترک ارتش فرمانده کل سپاه پاسداران خمینی و چند مشاور که خمینی تعیین میکند. در این شورا رئیس ستاد مشترک بعنوان نماینده خمینی شرکت میکند. شورای عالی دفاع پس از خمینی تمامی مسائل مربوط به جنگ را زیر نظر دارد.

شورای عالی دفاع خمینی، کارهای خود را به در صفحه ۲

شبنامهای مقاومت

بیاد ۵ مهر

" این اعلامیه توسط رفقا در تهران تکثیر و پخش شده است."

۵ مهر سالروز حماسه ای درخشان در تاریخ جنبش مسلحانه مردم ایران علیه رژیم ضد خلقی حاکم است. در این روز جمعی از رزمندگان مجاهد با شجاری که پیش از آن علنا طرح نگشته بود قدم به میدان مبارزه نهادند و با فریادهای کوبنده " مرگ بر خمینی " لرزه بر اندام مرتجعین حاکم انداختند.

این مبارزه خملتی مسلحانه و قهر آمیز داشت و هدف آن همانگونه که گوارا ذکر شده، آزمون جو سیاسی کشور در شرایط نویسی پس از ۳۰ خرداد بود. آزمون تأثیرات ترور و خلفان حاکم بر جامعه و کسب شناخت نسبت به آن، برای هر کس که بر خلاف حاشیه نشین ها، دست در عمل دارد و به بهای خون در صفحه ۹

در آغاز سال تحصیلی

سال تحصیلی جدید را در شرایطی آغاز می کنند که حدود ۱۲ میلیون دانش آموز و دانشجوی و هنرآموز خود را برای رفتن به مدارس و دبیرستانها و موسسات علمی - آموزشی آماده میکنند. اسامی نیز همانند سالهای قبل در اثر وجود جنگ و کراسی و نایاب بودن و مایل تحصیلی و همچنین شهریه های مختلف که با بکار بردن عجیب ترین نمونه های شادی، از طریق رژیم خمینی از مردم وصول میشود، دانش آموزان علاوه بر بدوش کشیدن کمبودهای پیشین با اسواغ و اقسام موانع برای بهره بردن از دانش و علم بشری در ایران امروز روبرو هستند. برای ورود به مدارس عالی باید از " صلاحیت ایدئولوژیک " برخوردار بود و گرنه حق درس خواندن برای کسی وجود ندارد. باید به چشم رفته باشی و گرنه با انواع تشنات سرورد توهین و تحقیر مسئولین آموزشی و سیاسی عقیدتی رژیم خمینی که فرزندان خلف دانیسورهای اعصار قدیم هستند روبرو میشوی. کمبود ارزاق و کراسی بیحد که محمول بحران زایی رژیم ضد علم و دانش خمینی است پشت مردم را خم کرده است. هر خانواده ای، عزیز را در میدانهای جنگ ضد مردمی خمینی از دست داده است. تعداد بسیاری از فرزندان برومند خلق قهرمان ایران در زیر شمشیر شکنجه های قرون وسطایی خمینی در زندانها در حال در صفحه ۲

بزرگترین عملیات ارتش آزادیبخش ملی

به گفته رادبو مجاهد، نیروهای رزمنده ارتش آزادیبخش ملی، طی يك تهاجم قهرمانانه که در مقایسه با سلسله عملیات مجاهدین خلق طی يك سال گذشته، بزرگترین عملیات محسوب میشود، ششبار زیادی از مزدوران رژیم را کشته، زخمی و مجروح نمودند. این عملیات قهرمانانه در تاریخ ۲۴ سپتامبر امسال، در منطقه مرابون صورت گرفت و بیش از ۴۰۰ نفر از مزدوران رژیم کشته و زخمی شدند و ۱۰۸ تن از این مزدوران به اسارت نیروهای رزمنده مقاومت درآمدند. در این عملیات مقادیر قابل توجهی سلاح و وسائل نظامی دست رزمندگان افتاد. در جریان این عملیات حماسی، ۹۰ تن از نیروهای رزمنده مجاهد خلق در راه صلح و آزادی شهادت رسیدند.

یادشان گرامی باد

پاسخ به يك نامه

در صفحه ۱۱

طیف توده های و مواضع " راه کارگر "

در صفحه ۵

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

جنگ ارتجاعی رژیم خمینی چگونه اداره می‌شود

از صفحه ۱
چند بخش تقسیم کرده است. یک بخش که مربوط به کارهای نظامی است. این بخش را قرارگاه خاتم که فرمانده آن یکی از فالانزهای جنایتکار رژیم بنام محمد فروزنده است، بمعده دارد. قرارگاه خاتم الانبیا، قرارگاه گل و در آن کلیه ارگانهای نظامی رژیم هماهنگ میشود. این قرارگاه، کارهای نظامی قرارگاههای کر بلا، نجف، حمزه، نوح و رمضان را زیر نظر داشته و قرارگاههای سزور، جملگی تحت امر قرارگاه خاتم می‌باشند. همچنین این قرارگاه برای کنترل بیشتر نیروهای جنگی و تبلیغ آنان و نیز روحیه دادن به نیروهای خود، بخشی بنام "تبلیغات جبهه و جنگ" ایجاد نموده که مسئول آن آخوند جنایتکار سید رضا اکرمی است. بخش "تبلیغات جبهه و جنگ" با "سازمان تبلیغات اسلامی" که "ستاد پشتیبانی امور فرهنگی جبههها" را اداره میکند، در ارتباط است. در سال گذشته "سازمان تبلیغات اسلامی" برای کنترل نیروهای جبهه و نیز روحیه دادن به آنان به آنجا تعدادی آخوند را به جبههها اعزام نموده است. بیشترین این آخوندها (۶۰ درصد) به سپاه و بقیه به ارتش (۲۰ درصد)، ژاندارمری (۱۰ درصد) و جهاد (۱۰ درصد) اعزام شدند و این نشان میدهد که رژیم برای کنترل مهم ترین و اصلی ترین ارگان نظامی این باید انرژی بیشتری اختصاص دهد. یک قسمت دیگر کار شورای عالی دفاع مربوط به کارهای تبلیغاتی است. جنگ که جنبه کلی و بین المللی دارد، میشود. این بخش بنام "ستاد تبلیغات جنگ" است که سرپرست آن یکی از مزدوران رژیم بنام کمال خرازی است و قائم مقام آن مزدور دیگری بنام آخوندی می‌باشد. "ستاد تبلیغات جنگ" کارهای تبلیغات مربوط به کل کشور و در صحنه بین المللی را بمعده دارد. این ستاد، جزوات، فیلم‌ها، بروشورها و کتب رسادی را جمع به جنگ منتشر کرده و بسیاری از آنان به زبانهای مختلف است که توسط ارگانهای بین المللی رژیم در سراسر جهان پخش میشود. از جمله انتشارات این بخش چند جلد کتاب مصور تحت عنوان "جنگ تحمیلی" است که رژیم با بنمایش گذاشتن جنگ ضد ملی و ضد مردمی از طریق تعاونیگان دهنده، عمق ردالت و دهنشی خود را نشان میدهد. بخش دیگر کار شورای عالی دفاع مربوط به تدارکات است که شامل نیرو، تجهیزات و ... میشود. این بخش را "شورای عالی پشتیبانی جنگ" بمعده دارد. در این شورای عالی جنایتکاران زیر نقش کلیدی دارند. خامنه‌ای (رئیس)، رفسنجانی (نماینده خمینی)، موسوی (نخست وزیر)، رئیس ستاد مشترک ارتش، وزیر دفاع، فرمانده کل سپاه و وزیر سپاه، آخوند جینی (مدیر شورای عالی تبلیغات اسلامی)، نماینده منتظری، وزیر جهاد رئیس ستاد سپاه (علیرضا افشار)، مهندس ترکان (مدیر عامل سازمان صنایع دفاع) و ... مهمترین کار این بخش تهیه نیرو و برای تلور جنگی رژیم است. برای این منظور رژیم در کلیه مراکز و نهادها مخصوص در مراکز که امکان گرفتن نیرو وجود دارد (مثل کارخانجات، مدارس و ...) ستادهایی بهمین

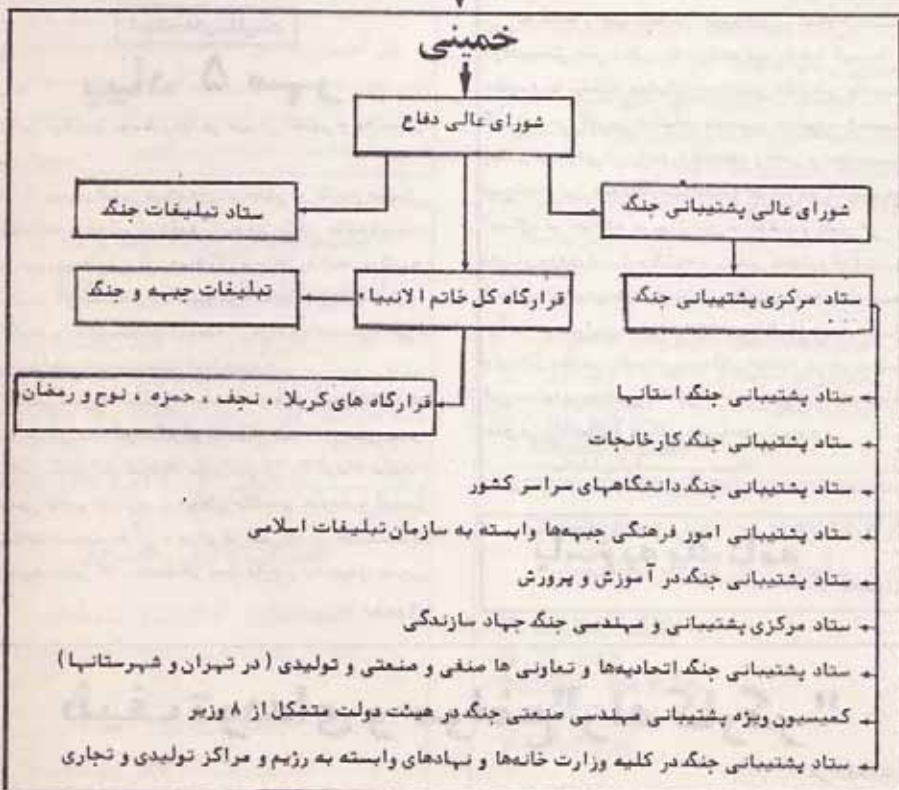
اختلاس و رشوه خواری

احمد سنگی کارشناس خرید مرکز تهیه لاستیک وزارت بازرگانی که در اسفند ۶۴ از طرف رژیم دستگیر شد، اعتراف نمود که مبلغ یک میلیون و ۸۰۰ هزار دلار از شرکت‌های بزرگ ژاپنی، ترکیه، کره، یوگوسلاوی و یونان رشوه گرفته است. احمد سنگی گفت این مبلغ، کمیسیون خریدهایی بوده که از این شرکت‌ها نموده است. این نمونه منحصر به فرد نیست و صدها نمونه دیگر رشوه خواریها در سوره گردانندگان رژیم، تا کنون لو رفته است. مسلما رشوه خواران بزرگ در درون رژیم سران اصلی رژیم هستند که تنها مطبوعات خارجی هر چند گاه به بخش ناچیزی از رشوه خواریهای آنان اشاره می‌کنند.

مسئول پشتیبانی جنگی اتحادیهها و تعاونیهای تهران است که در اخذی از اصناف و سفار در آن شرکت فعال دارد. با نگاهی به کروکی مربوط به همین مقاله نیز روشن میشود که رژیم جنایتکار خمینی، ارگانهای جنگ افروز خود را همچون تاز عنکبوت در تمامی سطوح جامعه گسترش داده و به کار جنگ افروزی مشغول است. تمامی سران چنین ارگانهایی، مستقیما از جنگ سوده‌های سرشار می‌برند و منافع خود را در ادامه جنگ می‌یابند. منافع آنها که کاملا در مقابل منافع مردم قرار دارد. مسلما نابودی جنگ، مستلزم نابودی چنین ارگانهایی است که با ارگانهای سرکوبگر رژیم در رابطه تنگاتنگ قرار دارند. از این زاویه نیز روشن میشود که جنگ و سرکوب دو روی یک سکه و آنهم سکه رژیم خمینی است.

نام ایجاد نموده است. بطور مثال در ستاد پشتیبانی جنگ استانها افراد زیر شرکت دارند. نماینده خمینی در استان، امام جمعه مرکز استان، استاندار فرماندار، فرمانده سپاه استان، مسئول ارتش در آن استان. نماینده جهاد و ... در بخش مهندسی این ستاد، چگونگی تهیه سهامات برای جبهه‌های جنگ و نیستی مورد نظر قرار می‌گیرد. این بخش تا کنون خط تولید بسیاری از کارخانجات را از تولیدی عمومی به تولید نظامی تغییر داده است. همچنین در هیئت دولت یک کمیسیون ویژه متشکل از ۸ وزیر برای پشتیبانی مهندسی جنگ تشکیل شده که این کمیسیون از چندین کمیته تشکیل شده است. بطور مثال کمیته نیروی انسانی این کمیسیون که زیر نظر مزدور جنایتکار مهندس رضوی اداره میشود، کار سیخ نیرو را در هیئت دولت بمعده دارد. جنایتکاران دیگری که در کار تدارکات نیرو و پشتیبانی جنگ، شرکت داشته و برای ادامه جنگ جنایتکارانه تلاش می‌کنند، عموما معاونین وزارت خانهها و بعضی سران حزب الله بازار و آخوندها هستند. مثلا مزدور جنایتکار علیرضا شیخ عطار، معاون امور پشتیبانی جنگ وزارت صنایع را و مهندس علی گلستانه، مسئولیت ستاد پشتیبانی جنگ وزارت معادن و فلزات را بمعده دارد. این مزدوران در تغییر خط تولید میلیتاریزه کردن کارخانههای کشور نقش مهم ایفا کرده دارند. همچنین مزدور جنایتکار، مرتضی کتیرایی که مسئول ستاد پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش است، در امر فرستادن اجباری دانش آموزان به جبهه‌های جنگ و نیستی نقش مهمی بمعده دارد. و با حاج صادق بناشی که یکی از بازرگانان جنایتکار و از مزدوران و سرپرندگان رژیم است.

کروکی ارگانهای جنگ افروز خمینی



اخبار کوتاه

روز پنجشنبه ۵ شهریور اسامی جمعی از پدران و مادران زندانیان سیاسی زندانیان رجایی شهر - بوین و اوین ، از ترمینال جنوب با چند اتوبوس و مینی بوس در بستی بطرف قم حرکت می کنند . قبیل از حرکت ، در ترمینال دختر جوانی خود را داخل جمع مادران جا زده بود ، که بین جمع زمزمه می افتد که او جاسوس است ، وقتی که از دختر مزبور سوال میشود که تو برای چه آمده ای ؟ می گوید که برادرم زندانی است و بخاطر او می آمم . مادران از او می خواهند که نام زندانی خود را بگوید و می گویند ما همه یکدیگر را می شناسیم و در ملاقاتها همدیگر را می بینیم ولی تو را نمی شناسیم ، بنا بر این باید نام زندانیت را بگویی . اما دختر مذکور نمی پذیرد و می گوید برای برادرم ایجاد اشکال میشود و بعد محل ترمینال را ترک کرده و از آمدن منصرف میشود . در بین راه چند بار پستهای بازرسی کمیته جلو ماشینها را می گیرد که رانندگان اظهار می کنند ما عزادار هستیم و برای شرکت در مجلس ختم می رویم . قابل ذکر است که رانندگان با خانواده ها اظهار همدردی و همیاری می کرده اند و با همکاری آنها بدون برخورد با هیچ مزاحمتی خانواده ها که بالغ بر ۲۵۰ مادر و ۱۰ پدر می شدند تا سر کوچه ای که منزل منتظری در آن واقع است می روند ، وقتی که جمع پدران و مادران بطور ناگهانی در کوچه سرازیر می شود پاسدارهای محافظ خانه که غافلگیر شده بودند با اسلحه بیرون ریخته سعی می کنند مادران را عقب بزنند و بطور مداوم سوال می کردند شما کی هستید و برای چه کاری آمده اید؟ وقتی جمعیت خود را معرفی می کنند و منظورشان را که دیدن منتظری بوده ، می گویند ، ابتدا قدری آنها را معطل کرده و سپس پاسخ می دهند آقا کسی را نمی پذیرد و در مقابل خانه به روی زمین می نشینند و می گویند تا کسی به حرفهای ما گوش ندهد از اینجا نمی رویم . قرار میشود ۶ نفر از پدران بعنوان نمایندگان جمع با مسئولین دفتر منتظری ملاقات کنند . این افراد بدون خانه رفتند و خواستهای خود را که عبارت بود از :

- ۱- تعویض رئیس فعلی زندان اوین (مرتضی)
 - ۲- متوقف شدن آزار و اذیت جسمی و روحی زندانیان
 - ۳- دادن وقت هوا خوری روزانه به زندانیان
 - ۴- توجه به خواستهای رفاهی زندانیان
- و در خاتمه اعضای دفتر منتظری قول رسیدگی به خواسته های خانواده ها را می دهند و آنها در بعد از ظهر همانروز به تهران برمی گردند . لازم به توضیح است که در یکماه گذشته فشار بر زندانیان سیاسی در تمامی زندانها و بخصوص در زندان اوین افزایش یافته . در این زندان عده زیادی را به انفرادی برده و ملاقات آنان را قطع کرده اند . همچنین از ارسال نامه های آنان برای خانواده هایشان و از دریافت پول ، لباس و غیره از طرف خانواده ها برای زندانیان خودداری می کنند . بخاطر همین مسائل خانواده های زندانیان سیاسی قلم دارند روز پنجشنبه ۶/۶/۱۹ در میدان ونک جمع شده ، از آنجا

بطرف دفتر نمایندگی سازمان ملل بروند و خواستار رسیدگی به وضع فرزندانشان بشوند .

~~~~~

در مرداد ماه سال جاری یکی از زندانیان سجاهد خلق در زندان رجایی شهر کرج در اعتراض به اوضاع آشفته و بد زندان و شکنجه هایی که در زندان اوین اعمال میشود اقدام به سوزاندن خود نمود . وی پتویی را که به نفت آغشته شده بود به دور خودش پیچیده و آتش می زد . زمانیکه دیگر زندانیان از این واقعه مطلع میشوند و قصد کمک به او را داشتند پاسداران مانع از انجام هر گونه اقدام از طرف زندانیان شده و می گویند او خودش خواسته اینطور بمیرد .

~~~~~

در تهران تعداد کثیری از مردم بعثت فاجعه ای که جمهوری اسلامی در مکه آفرید به سازمان حج و زیارت مراجعه و درخواستهای سال بعد خود را برای زیارت مکه پی گرفته اند .

~~~~~

در تاریخ ۶۶/۵/۲۰ کارگران و کارمندان قسعت چوب کارخانه چوکا در اعتراض به عدم پرداخت پاداش دست از کار کشیدند .

~~~~~

در تاریخ ۶۶/۵/۵ حدود ۲۵۰ نفر از خانواده زندانیان سیاسی در خیابان دکتر شریعتی و در مقابل درب دادستانی گل و شورای سرپرستی زندانها جمع شده و خواستار رسیدگی به وضع زندانیان و بهبود وضع کلی آنها شدند .

~~~~~

در شهرستان بندر انزلی هنگام بختک سیردن یک سرباز که در جبهه جنگ خمینی کشته شده بود ، برادر سرباز کشته شده و تعدادی از اقوام وی می گویند که انتقامشان را از سپاه خواهیم گرفت ، شماها او را کشتید ، ما سپاه را با آتش می کشیم و سپس شعارهایی علیه رژیم می دهند .

~~~~~

در تاریخ ۶۶/۵/۲۴ ماشینهایی در محدوده خیابانهای مولوی - شوش ، بازار و میدان گمرک در حالیکه بلندگو هایی بر روی آنها نصب شده بود از کلیه افغانستانی این خیابانها می خواهند طرف مدت دو روز کلیه اماکنی را که در آنها ساکن می باشند تخلیه نمایند و در ساعت ۱۰ صبح روز ۶۶ / ۵ / ۲۶ مهلت مقرر به پایان یافته . ناکپان اوباشان کمیته جی و شهرتانی به دستگیری کلیه افغانستانی اعم از افرادی که کارت شناسایی دارند و با آنها شیکه پناهنده و بدون مجوز هستند می پردازند و سختی آنها را مشروب می سازند . این حرکت رژیم در شهرهایی نظیر تهران ، قم و مشهد نیز قبلا تکرار شده بود .

افزایش مالیاتها

محمد جواد ایروانی در تاریخ ۱۲ تیر ماه اسامی در سخنرانی قبل از ختبه های نماز جمعه اعلام نمود که " ما احتیاج به منابع مالی داریم و طرق مختلف تحصیل در آمد و تامین منابع برای دولت ، یکی ثروت های خدادادی از قبیل نفت ، گاز ، ذغال سنگ و سایر منابع معدنی در کشور می باشد که به لحاظ محدودیت این ذخائر ، و همچنین مقرون به صرفه

نبودن از لحاظ اقتصادی ، نمی توانیم از آن استفاده کنیم ، چون تورم زاست ، همچنین محدودیت استفاده از این منابع ، بدلیل ۰۰۰۰ جنگ تحمیلی ، توطئه گاهش بهای نفت و محدودیت در صدور نفت آشکار است ، پس قابل استفاده نیست . راه دیگر استفاده از خدمات دولتی مانند برق و آب و پست و نظایر آن می باشد . این خدمات هم چون بمنظور سودجویی ارائه نمیشود و جنبه ارائه خدمات اجتماعی دارد بنابر این درآمد حاصله از آنها محدود است و تکاپوی هزینه های جاری را نمی کند . راه دیگر استقرار خارجی است که ما هرگز اینکار را نخواهیم کرد . در اکثر کشورهای جهان ، یکی از راه های تامین درآمد از محل وصول مالیاتهاست که ما هم مجبوریم از آن استفاده نمائیم . تمام صفرا و کسرا گفتن های این مزدور برای آن بود که بگوید علاوه بر تمام غارتگریهای قبلی افزایش مالیاتها هم در دستور کار رژیم است . رژیم هفته بعد از ۱۲ تیر ماه را به عنوان هفته مالیات اعلام می کند و ایروانی می گوید ۲۱ میلیارد تومان مالیات واصله طی سال گذشته ناچیز بوده است . رژیم خمینی بهر حیل های متوسل میشود تا با غارت مردم و به بیغما دادن منابع ملی ما ، پول لازم برای جنگ ضد ملی و ضد مردمی اش را تهیه نماید . افزایش مالیاتها نیز در خدمت چنین امریست .

کنترل نامه ها

رادیو سنندج در تاریخ ۲۹ شهریور اسامی اعلام نمود که : " شهروندان میتوانند بجای مراجعه به باجه های پستی همه روزه به شماره تلفن ۰۰۰۰ ۰۰۰۰ و ضمن دادن درخواست خود ، آدرس محل سکونت ، یا اداره و شرکت مربوطه را به اداره کل پست استان اعلام دارند . ۰۰۰ که بدین ترتیب نیازی به مراجعه مستقیم خود به باجه های پستی نخواهد بود " . یکی از دلایل این طرح که تحت عنوان " طرح قبول مراسلات " اعلام شده است ، سهولت بیشتر در کنترل نامه ها و بدست آوردن آدرس فرستنده نامه های است که در آن مطالبی علیه رژیم نوشته شده است .

ارز آزاد

بازار ارز ، یکی از بازارهای مهم در جامعه ما است . خود رژیم بخش قابل توجه این بازار را در اختیار دارد و از فروش ارز آزاد و با معاملات بر اساس ارز آزاد سودهای هنگفت می برد . مسئولین اقتصادی و نمایندگان مجلس ارتجاع اسامی اعلام کردند که رژیم " در شرایط فعلی که با مشکلات بسیار در زمینه کمبود ارز مواجه است ، استفاده از ارز آزاد ، بشرط اعمال کنترل نسبی میتواند اثرات مثبتی بجای گذارد . " سران رژیم و تجار کردن کلفت هم از ارز دولتی برای معاملات خود استفاده میکنند و هم از فروش ارز آزاد برای خالی کردن کیسه مردم و این در حالی است که مثلاً یک بیمار برای معالجه در خارج از کشور باید آنقدر این در و آن در بزند تا شاید بتواند مقدار ناچیز ارز دولتی بدست آورد .

* در صفحه ۹

در آغاز سال تحصیلی

از صفحه ۱

مقاومت هستند. بسیاری از دانش آموزان و معلمان فرهنگیان و اساتید دانشگاهها بجرم مخالفت با سیاستهای ضد آموزشی رژیم خمینی طعمه آتش مسلسلهای مزدوران رژیم قرار گرفتهاند. این رژیم در حالی رنگه مدارس کشور را به دست نخست وزیر خاش و مزدوروش همدا در می آورد که هر روز و هر ساعت در جهت هر چه بیشتر تحمیل کردن نوبسالات و اسیدهای آینده این کشور از تمامی امکانات تبلیغاتی که از حاصل دسترنج تودهها و به حراج گذاشتن ذخائر ملی تهیه کرده است توسط آخوندهای مرتجع و مزدوری همچون قراشانی استفاده نموده و بیشتر با تصدق جستن به اعتقادات سنتی تودهها و تهییج روحیه کودکانه دانش آموزان و ترغیب آنان به شرکت در جنگ ضد سپهبدی نه تنها جان آنان را به سادگی بر سر میدانهای مین میگیرد، بلکه سرمایههای آینده مملکت ما را که باید آینده ایران را تضمین کنند از دانشی که امروز فرا میگیرند فردا در جهت کمک به تودههای رنجیده استفاده نمایند بر باد میدهد. رژیم خمینی که در بکار بردن شیوههای تحمیل دست اسلاف خود را از پشت بسته است امسال نیز با ارائه طرحهای مختلف از قبیل طرح "پاسدار - دانش آموز"، و طرحهایی از قبیل "طرح قلک" که برای سرکشی کردن دانش آموزان تهیه شده، امکانات مالی برای ادامه جنگ، ناپود کننده خود دست و پا مینماید. علاوه بر اینها رژیم بمنظور خاموش کردن خشم و اعتراض مردم با ایجاد ارگانهای مختلف سرکوب در شهرها و واگذاری هزینههای هنگفت برای این منظور سعی در بقای رژیم فرتوت و سراسر فساد خود دارد.

هم میهنان، رژیم قرون وسطایی خمینی در حال زوال و از هم پاشیدن است. این رژیم بدون بهره گیری از امکانات انسانی و مالی شما و بدون سرکوب و خفقان و از بین بردن هر صدای حق طلبانه نمیتواند به زندگی ننگین خود ادامه دهد. فرزندان خود را در جهت مبارزه بر علیه ادامه جنگ ایران و عراق و صلح بین دو کشور آماده کنید. به آنها بیاموزید که رژیم خمینی حافظ نسل است و از شرکت آنها در جنگ بنبغ رژیم خمینی ممانعت بعمل آورید. هر چه بیشتر مخالفت خود را با این رژیم رساتر نمودم و با تمام توان از مقاومت عادلانه مردم ایران به رهبری شورای ملی، مقاومت حمایت نمائید. دانش آموزان، دانشجویان، فرهنگیان و اساتید مبارز، با مخالفت هر چه گسترده تر خود در مقابل طرحها و روشهایی که از طرف رژیم برای اداره مدارس و دانشگاهها و همچنین سرکاماری آخوندهای مزدور در این موسسات بعنوان "استاد" و سرپرست بخشهای عقیدتی و غیره میشود، همبستگی خود را به گوش جهانیان برسانید. در شرایطی که رژیم آخوندهای جنایتکار هر روز بیش از پیش در انتظار جهانیان رسواتر میشود، حرکتهای شما در جهت تقویت و حمایت از شورای ملی مقاومت میتواند به عمر ننگین رژیم خمینی خاتمه داده و در ایران فردا محیطی زنده و پویا برای رشد استعدادهای نوجوانان و جوانان میهنمان را نوید دهد.



پایگاه که لایوی نوکان مورد حمله قهرمانانه

پیشمرگان فدائی قرار گرفت

هم میهنان مبارز
خلق قهرمان کرد



پیشمرگان قهرمان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت) در ادامه جوله نظامی - سیاسی خود در منطقه پیرانشهر، دوین عطیات - تهاجی را علیه نیروهای مزدور رژیم ضد بشری خمینی بقرار زیر با موفقیت بسه انجام رسانند.

در تاریخ ۱۳۶۶/۶/۱۴ پایگاه «که لایوی نوکان» واقع در محور جاده پیرانشهر - سردشت پس از شناسایی در ساعت ۷/۴۰ دقیقه عصر با شلیک اولین موشک - آر - پی - جس آغاز گردید. و به مدت ۱۵ دقیقه از چند طرف مورد حمله برق آسای پیشمرگان فدائی قرار گرفت.

از میزان تلفات نیروهای رژیم در این عطیات خبر دقیقی در دست نیست. لازم به ذکر است که پایگاه «که لایوی نوکان» محل استقرار تکاوران رژیم خمینی می باشد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت) کمیته کردستان
۱۳۶۶/۶/۱۴

سومین عملیات پیشمرگان فدایی در منطقه پیرانشهر
پایگاه «سپه کان» مورد حمله رزمندگان فدایی قرار گرفت

هم میهنان مبارز
خلق قهرمان کرد



بار دیگر پیشمرگان رزنده سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیرو برنامه (هویت) یکی از پایگاههای مزدوران رژیم خمینی را مورد تعرض انقلاب خود قرار دادند. در تاریخ ۱۲ مرداد پایگاه مزدوران خمینی در پیردان مورد حمله پیشمرگان فدائی قرار گرفت و در ادامه و در تاریخ ۱۴ شهریور پایگاه «که لایوی نوکان» مورد تعرض قرار گرفت و اکنون خبر رسیده است که یک دسته از رزمندگان فدائی در تاریخ ۱۶/۶/۶۶ پایگاه «سپه کان» واقع در محور پیرانشهر - سردشت را مورد حمله قهرمانانه خود قرار داد. آنست. ساعت ۷/۲۰ دقیقه عصر پایگاه «سپه کان» با شلیک اولین موشک آر - پی - جس از چند طرف مورد حمله واقع شد و به مدت ۲۰ دقیقه مزدوران رژیم خمینی زیر آتش سلاح پیشمرگان فدائی قرار گرفتند.

در این عطیات پیروز ماندانده تلفات و خسارات به پایگاه وارد آمد که از میزان دقیق آن خبری در دست نیست. بعد از انجام عطیات پیشمرگان رزنده فدائی به سلامت منطقه عطیات را ترک کردند.

زند بهاد مبارزات قهرمانانه خلق کر د برای آزادی و خود بخاری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت) کمیته کردستان
۱۳۶۶/۶/۲۱

طیف توده‌ای و مواضع "راه کارگر"

عنوان یورش به نیروهای انقلابی و دمکراتیک؛ محکوم دانست. از نظر فلسفی "اکثریت" از یک مقدمه "منطقی" حرکت کرده تا به نتایج مطلوب و مورد نظر خود و نه نتایج واقعی برسد و به عبارت روشن تر با محکوم دانستن چماقداری و توسل به شیوه‌های ضد دمکراتیک، حزب توده را نیز که مورد تعرض چماقداران قرار گرفته بود، در ردیف جریان‌های مدافع دمکراسی و مخالفت با چماقداری قرار داده بود در حالیکه حزب خائن توده در اوج سرکوب سازمانهای انقلابی و مترقی و در همان زمان برای اوباشان حزب الهی کف میزد و هورا می‌کشید. حرکت "اکثریت" نه از بی اطلاعی و یا عدم درک مفاهیم مارکسیستی که دقیقاً بر مبنای پیشبرد خط نریدگی با حزب توده، بصورت ناعرضی؛ طرح ریزی شده بود. "راه کارگر" نیز به همین صورت با چار و جنجال و هیاهو پیرامون خطر چماق کشی گومله علیه طیف توده‌ای، مدافع سینه چاک دمکراسی شده و از مشرات چماق و فوائد تبات؛ داد سخن می‌دهد و سپس به بکاره این چماقداری را نه تنها علیه طیف توده‌ای که علیه "مدافعان سوسیالیسم موجود" ارزیابی می‌کند.

"راه کارگر" پایه طبقاتی جریان‌های توده‌ای را خرده بورژوازی ارزیابی کرده و در توجیه خیانتهای آنان چنین اظهار می‌دارد: "خصلت بینابینی خرده بورژوازی در روند عمومی «سازره» کار و سرمایه به معنای آن نیست که این طیف در دوره‌های معین موضع کاملاً ضد انقلابی اتخاذ نکند، اما مارکسیستها خصلت عمومی یک حزب را صرفاً به موضع گیری آن در یک دوره «معین مشخص» نمی‌کنند بلکه بر عکس، موضع گیریهای هر حزب سیاسی در این یا آن دوره معین را با خصلت طبقاتی آن توضیح می‌دهند." اگر با همین تعریف بر تفاق هم قصد آنرا داشته باشیم که طیف توده‌ای و راهبر ایدئولوژیکی آن حزب خائن توده را مورد کنکاش قرار دهیم، به نتایجی خلاف آنچه که مورد نظر "راه کارگر" است، خواهیم رسید. اما قصد ما آن نیست که تحلیل طبقاتی طیف توده‌ای و بطور کلی جریان‌های سیاسی را به این معیارها و بر اساس موضعگیری آنها در "این یا آن دوره معین" منوط سازیم (یعنی همان عملی که "راه کارگر" ظاهراً دیگران را از آن بر حذر میدارد و خود با جابجا کردن کلمات به شکل دیگری بدان می‌پردازد). حزب توده بمثابة کهنه کارترین سیاست باز حرفه‌ای که بطور تشکیلاتی عمل می‌کند، از سابقه‌ای چندین ده ساله برخوردار است. حیات حزب یاد شده به موازات حساسترین لحظات تاریخ ایران و نیز جنبشهای اجتماعی آن بوده و حرکتش که در مقاطعی از حمایت بخشی از توده‌ها نیز برخوردار شده، بیشک در فعل و انفعالات جامعه ناشر گذار بوده است. بر این مناسبت که هر تحلیلی از این حزب بدون پرداختن به سابقه تاریخی آن بیشک نمیتواند جامع و دربرگیرنده تمامی مطالب در باره موضوع باشد. نگرش از زاویه تاریخی به حزب توده زمانی اهمیت دو چندان می‌یابد که تلاش

خوبی نشان میدهد. "راه کارگر" از ابزار صریح نظر خود نسبت به گومله در مقاله "وقتیکه آقای مهتدی ... طفره می‌رود" و با لطایف الحیل سعی میکند تا این نظر را پوشیده نگهدارد؟ به این دلیل بسیار واضح است که تمام تلاش "راه کارگر" در این خلاصه شده است که اختلافاتی کاملاً فرمالیستی با طیف توده‌ای برتراند تا از قبل آنها بتواند عمده‌داری هیئت چند گانه اپورتونیستها را برای خود تأمین نماید. "راه کارگر" بدان خاطر به تفاق گویسی افتاده که قصد دارد بدون بهره گیری از ابزار و ادوات انقلابی - ارتجاعی شناسی؛ طیف توده‌ای به همان نتایجی برسد که این طیف قبلاً به آنها دست یافته بود. قافل از اینکه اولاً متد وی در این زمینه کارایی چندانی ندارد و ثانیاً اسلوب استدلال هر چه باشد و به هر میزان که توانایی پنهان ساختن اخوت فکری با طیف توده‌ای را داشته باشد، با لایحه این عمل اجتماعی اوست که او را از پشت پرده به روی صحنه آورده و معرفی میکند. ذکر این نکته هم خالصی از لطف نیست که "راه کارگر" سیاست گومله مبنی بر انحلال و انزوای طیف توده‌ای را "چماق کشی" و "چماق داری" توصیف کرده و با ذکر همکارهای جناح‌های مختلف مائوئیست و تروتسکیست با جمهوری اسلامی، می‌گوید: "آیا آقای مهتدی خواهند انحلال تمام این احزاب سیاسی است؟ نه او فقط علاقه مند است که از فرصت بدست آمده استفاده کند و یک جنگ سیاسی فرقه‌ای علیه مدافعان سوسیالیسم موجود برآورد." (همان مقاله)

صرف نظر از دعوی فرقه‌ای "راه کارگر" و حزب "کمونیست" گومله "راه کارگر" در اینجا مجبور شده که به دو حقیقت اعتراف کند، اول اینکه "فرصت بدست آمده" کنونی، بهترین فرصتی است که میتواند ماهیت اختلافات؛ "راه کارگر" با طیف توده‌ای را بر ملا و وجوه اشتراکشان را نشان داد، حقیقت دوم آنکه برای نخستین بار "راه کارگر" زیر یک سقف بودن خود و طیف توده‌ای را با عنوان "مدافعان سوسیالیسم موجود" نشان میدهد و راهبر برای بوجود آوردن زمینه‌های مثبت ذهنی نسبت به این مسئله هموار می‌سازد.

به راستی "راه کارگر" در زمینه اپورتونیسم شاگرد ساعی و کوشاشی است. چرا که بخوبی تجربه‌ی نزدیکی جریان موسوم به اکثریت را با حزب خائن توده مورد بررسی قرار داده و حتی از تکردهای "اکثریت" که برای توجیه این نزدیکی بکار برده نکته به نکته کپی برداری کرده است. در ابتدای اشعاب انقلابی اقلیت، جریان "اکثریت" که به دلیل بی اعتباری و آبرو باختگی حزب توده نراذهان توده‌ها و هوادارانش، هنوز قادر نشده بود اتحاد عمل خود با آنرا بی پرده بیان کند، به تاکتیکهایی که بیشتر به شیادی شباهت داشته برای جا انداختن این نزدیکی متوسل میشد و از آن جمله در یک مقطع که چماقداران رژیم به دفتر حزب توده یورش برده بودند، "اکثریت" تحت پوشش دفاع از دمکراسی به حمایت از حزب توده پرداخته و این حمله را به

بالاخره "راه کارگر" که به سخن در آمد واذهان آن دسته از طیف توده‌ای که اشارات چشم و ابروی این جریان در تاکتیکهای؛ "جبهه متحد" امپریالیستی و "جبهه متحد کارگری" را هنوز متوجه نشده بودند و با با توجه به سابقه هباهوی "تئوریک" های چند گانه "راه کارگر" (مبنی بر مبارزه ایدئولوژیک با این طیف) در پذیرفتن آن مردد بودند، را، یکسره روشن کرد. "راه کارگر" این بار در شرایطی موجودیت خود را به نمایش می‌گذارد که در مصاف با حزب "کمونیست" - اپورتونیست گومله، که از موضع ماوراء، چپ، با معضلات جنبش برخوردار می‌کند، قرار گرفته و بناچار برای پاسخ گویی، از زرادخانه اپورتونیسم راست مبعثات خود را تهیه کرده و بر سر گومله می‌ریزد. صرف نظر از برچسب هایی که "راه کارگر" معمولاً بمنظور "ایز" کم کردن به حریف خود می‌زند و همچنین زست های قتل فروشانه روشنفکران این جریان، آن نکاتی که مورد بررسی مقاله حاضر می‌باشد، دقیقاً سائلی هستند که این جریان تا به حال از ابزار صریح آنها، به بهانه‌های گوناگون طفره می‌رفته است همین نکته جالب توجه بودن مقاله "وقتیکه آقای مهتدی فتوی جهاد میدهد" را نشان میدهد. (راه کارگر شماره ۴۰ - تیر ۶۶)

"راه کارگر" در باره تعیین جایگاه گومله در صف بندیهای اجتماعی می‌گوید: "ما بر پایه منطبق کمونیستی، هر جریان سیاسی را بر مبنای مواضع بالفعل آن در عرصه مبارزه طبقاتی مورد بررسی قرار می‌دهیم و به همین دلیل هم هست که حزب "کمونیست" گومله را علیرغم مواضع ارتجاعی آن در عرصه بین المللی، در عرصه مبارزات طبقاتی کنونی ایران، در کنار نیروهای ارتجاعی قسراً نمی‌دهیم."

"مواضع بالفعل" گومله در عرصه داخلی عمدتاً حول مبارزه مسلحانه و سازماندهی آن در منطقه کردستان صورت می‌گیرد. اما اگر همین امر موجب سرگردن تا "راه کارگر" گومله را در کنار نیروهای ارتجاعی قرار ندهد، پس به چه دلیل توسل جناح شورای عالی به همین استدلال برای تعیین ماهیت طبقاتی سجاهین، از سوی "راه کارگر" تقسیمی خرده بورژوازی از مبارزه مسلحانه "راه کارگر" شماره ۲۲ - اسفند ۶۵ نام می‌گیرد؟ "راه کارگر" در آن مقاله می‌گوید: "با این تر بسیاری از جنبش‌ها و سازمانهای ضد انقلابی تطهیر میشوند و از جرگه شد انقلاب در آمده و دست کم در کنار انقلابیون قرار می‌گیرند." کدامیک درست هستند، تعیین ماهیت طبقاتی جریان‌های سیاسی از مواضع بالفعل آنان و یا مشخص کردن این ماهیت بر مبنای اراده روشنفکران؟ تناقضی که در دستگاه نظری "راه کارگر" به چشم می‌خورد، نه یک امر تصادفی و از سر سهل انگاری که دقیقاً مرتبط با پروسه‌های است که این جریان طی میکند. در ادامه مقاله تناقض دیگری را نشان خواهیم داد که این بار به گمان ما دلیل واقعی معلق زندهای "راه کارگر" را به

طیف توده‌ای و مواضع "راه کارگر"

جریاناتی همچون "راه کارگر" در "اشتباه" خواندن تاکتیکهای این حزب را بمنظور از زیر ضرب خارج کردن کلیت آن، در مد نظر قرار گیرد. براساسی چگونه میتوان به تحلیل طبقاتی یک جریان با سابقه - ای طولانی در کار سیاسی پرداخت و آنوقت تنها " این یا آن دوره معین" از حیات آن جریان، کسب در مقام مقایسه با تاریخچه اش لحظهای محسوب میشوند را پایه این تحلیل قرار داد؟ "راه کارگر" به ما یادآوری میکند که چنین امکانی وجود دارد و هنوز هم جریاناتی هستند که چنان در رویای ولایت بر طیف حقیر توده‌ای فرو رفته‌اند که دیگران را نیز خواب سی‌پندارند و ناشیانه به دست کاری در احکام مارکسیستی پرداخته‌اند. تکرار دیگر بار جمله‌ای که در ابتدای مقاله "وقتی که آقای سهندی ۲۰۰۰" آمده است، برای نشان دادن عمق بی اعتقادی "راه کارگر" حتی به گفته‌های خود و ماست مالی کردن تقایم، چندان بی مورد نیست: "ما بر پایه منطق کمونیستی، هر جریان سیاسی را بر مبنای مواضع بالفعل آن در عرصه مبارزه طبقاتی مورد بررسی قرار می‌دهیم" (همان مقاله) و ما نیز برای عمل کردن به این نصیحت منطقی، قصد آنرا نداریم تا مواضع بالفعل حزب توده را بمثابة یک جریان تاریخی و در پروسه حرکتش از ابتدا تا به امروز، مورد بررسی قرار دهیم و تعیین نمائیم که جایگاه ایسی حزب در صف بندیهای طبقاتی کجا قرار دارد. اما از آنجا که بحث پیرامون کلیت تاریخ آن از حوصله این مقاله خارج است، تنها به سر فعل‌های مهم در حیات سیاسی آن می‌پردازیم.

در سالهای مغفان با چنگ دوم جهانی این حزب بدون توجه به ذهنیت توده‌ها، عملاً در مقابل مبارزات ضد استعماری آنان علیه امپریالیسم انگلیس بی تفاوت باقی می‌ماند و چندی بعد در کابینه‌ی قوام که برای تدارک سرکوب جنبش بطور اعم و یورش به جنبش آذربایجان بطور اخص، ترتیب داده شده بود، شرکت نمود. در برابر جنبش ملی شدن نفت در سال ۱۳۲۹ و همگام با مذاکرات (گس- لگشایان) حزب بار دیگر از کانون مبارزات سدوز و عمده فعالیت خود را در تشکیل "انجمن ایرانیان هوادار صلح" متمرکز کرده بود و نازه در اواخر این سال که شعار انجمن امتیاز نفت جنوب را مطرح میکند، آنرا با رعایت حقوق اتحاد شوروی در کسب امتیاز نفت شمال همراه می‌سازد. در سال ۱۳۳۰ حزب توده، مصدق را عامل امپریالیسم آمریکا معرفی می‌کند و برای اینکه رهبری جنبش را بدست بگیرد به مبارزه خونین با او دست می‌زند و پس از ۳۰ نفر موضع خود را تغییر و به حمایت از وی می‌پردازد. در عمل دنباله رو جبهه ملی میگردد. در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ حزب توده کودتای سیا و شاه را بدون هیچگونه واکنشی نظاره‌گر میشود و بدینسان یکموره تاریخی از حیات آن با به شکست کشاندن جنبش به پایان میرسد. از این مقطع تا ابتدای سال ۵۷ در روندی از سردرگمی و آشفتگی قرار می‌گیرد. یک زمان دیکتاتوری شاه را ضد انقلابی و وابسته ارزیابی میکند و در زمانی دیگر فرم ارضی شاه و سیاستهای او در "رشد"

صنعتی کشور را مورد ستایش قرار می‌دهد. پس از انقلاب حزب توده بطور کامل در خدمت رژیم خمینی قرار می‌گیرد و تنها پس از دستگیری اعضای رهبری آن، بطور ناقص به صفوف اپوزیسیون برتاب میشود. مواضع کارگری و دهقانی این جریان بالطبع در خدمت سیاستهای عملی آن و برای به هز دادن این نیروها و ترویج سازش طبقاتی بوده و به هیچ عنوان جدا از مجموعه آن سیاستها نمیتواند مورد ارزیابی قرار گیرد. زیرا مفهومی که کمونیستها از سازماندهی و شرکت پرولتاریا در انقلاب در مد نظر دارند، دقیقاً در ارتباط با اعمال سیاست طبقه در مبارزات جاری اجتماعی برای تأمین مصالح آن معنا می‌یابد و بطور مجرد هیچ سیاستی را نمیتوان در براتیکه معنی آن تنها به اعتبار تاکتیک متخذ تحلیل کرد. مارکسیسم لنینیسم می‌آمورد که باید "در پس هر یک از جملات، اظهارات و وعده و وعیدهای اخلاقی دینی، سیاسی و اجتماعی منافع طبقات مختلف را جستجو کنند." (سه منبع و سه جزء مارکسیسم)

اگر مجموع مواضعی را که حزب توده در جریان ۴۶ سال حیات خود اتخاذ نموده به شکل بیانی ترمیم کنیم صرف نظر از "این یا آن دوره معین" وجود یک خط مشخص در این کارنامه را شاهد خواهیم بود که در طول حیات حزب امتداد یافته و آن خدمت به بورژوازی و طبقه حاکم ضد انقلابی است. آنچه که در هر تحلیل از حزب توده می‌باید مورد توجه قرار گیرد، همانا شناسایی این خط و نقاط تجلی آن در سیاستهای بی‌میل می‌ماند. آنچه که "راه کارگر" "خصلت بینابینی خرده بورژوازی" می‌خواند در حقیقت کوششی برای پنهان کردن همین خط است. اگر از مجموع سیاستهایی مانند بی اعتنائی به جنبشهای ملی و تضعیف آنها، سکوت در مقابل عمل کودتای امپریالیستی و قربانی کردن پتانسیل طبقه کارگر در پیشگاه بورژوازی، تأیید بی چون و چرای جمهوری اسلامی خمینی و ۲۰۰۰ نمی‌توان به ماهیت خائشانه حزب توده پی برد، پس "راه کارگر" بهتر است معیارهای جدیدی برای تعیین ماهیت جریانات سیاسی نازل کند! شاید بدینوسیله بتواند فردا حتی ماهیت سیاستهای رژیم خمینی را نیز ناشی از "خصلت بینابینی خرده بورژوازی" اعلام نماید! براساسی آیا نویسنده "راه کارگر" خود به مفهوم جمله یاد شده پی برده است؟ به هر حال چه او بخواید و چه نخواهد ما این مفهوم پوشیده در عبارات مغلق را آشکار میکنیم. آنچه که تا به حال در ساره "خصلت بینابینی خرده بورژوازی" از طرف کلاسیک های مارکسیسم گفته شده و تجربه سایر ملل نیز آنرا به اثبات رسانده، این است که شکل مناسبات تولیدی حاکم بر این طبقه، آنرا از بورژوازی رمانده و از پرولتاریا هراسان می‌گرداند. به نحوی که تا نفی مالکیت خصوصی در کنار پرولتاریا قرار گرفته و نقضی انقلابی ایفا میکند ولی به مجرد اینکه انقلاب قصد آن کند که مرزهای مالکیت بر ابزار تولید را در نوردد، اقتدار متوسط و بالای آن جای خود در صف بندیهای طبقاتی را تغییر داده و به اردوی بورژوازی می‌پیوندد. تعریف "خصلت بینابینی خرده بورژوازی" از همین تغییر مواضع اجتماعی نشأت می‌گیرد، آیا "راه کارگر" با این

تحلیل از حزب توده قصد آنرا دارد تا از یک جابجایی طبقاتی (حتی بصورت مقطعی) در مواضع آن سخن بگوید؟ و برای آن سابقه انقلابی یا مترقی جستجو نماید؟ اگر اینطور است برای تذکر هم که شده، باید گفت اگر "راه کارگر" عزم کرده تا افتخار تاریخ سازی برای حزب توده را تنها به خود اختصاص دهد و تمام مدالیهای مربوطه [؟] را به گردن خود آویزان کند، بیشک راه خطا رفته است. زیرا این افتخار برای اولین بار نصیب اکثریتی ها شد و این آنها بودند که در این زمینه راه گشا شدند و بالطبع "راه کارگر" ناچار است شراکت آنان را بپذیرد و به مقامی درجه دوم در این رابطه تن دهد.

"راه کارگر" بالاخره پس از مقدمه چینی بسیار وارد اصل مطلب و جوهری که اساساً مقاله مزبور برای پروراندن آن به تحریر در آمده، میشود، توجه کنید:

"۲۰۰۰ ما معتقدیم که از لحاظ منطقی مارکسیستی و منافع طبقه کارگر در مبارزه طبقاتی - و البته نه از دیدگاه فرقه گرایانه آقای سهندی - نمیتوان بطور اصولی امکان هر نوع اشتلاف و اتحاد عمل با سازمانهای طیف توده‌ای را رد کرد." (همان مقاله) حال خواننده میتواند به سادگی دریابد که صفحه سیاه کردنیهای "راه کارگر" در مورد "دفاع از دموکراسی"، "خصلت بینابینی خرده بورژوازی" و سر آخر متد ویژه او در "تحلیل طبقاتی" جریانات سیاسی، همه برای این بود که "منطق مارکسیستی" و "منافع طبقه کارگر در مبارزه طبقاتی" را برای "راه کارگر" تئوریزه کند. تا به اعتبار آنها محبت "اشتلاف و اتحاد عمل با سازمانهای طیف توده‌ای" را بکشاید، و لی اسب تروای "راه کارگر" اصولاً توانایی حرکت و پوشاندن نیات مخفی شده او را نداشت چه رسد به اینکه قادر شود دروازه برایش باز کند. و به همین صورت مصالحه‌ای که "راه کارگر" از آن دم میزند، منعکس کننده دیدگاه راست او نسبت به "اشتلاف و اتحاد عمل" است. تمام هنر "راه کارگر" که در ضمن حداکثر توانش را نیز تشکیل میدهد، متوجه رد اشتلاف به معنای سازش ایدئولوژیک شده است. حال آنکه هر نوا مور مارکسیسم که حتی اندکی به الهیای اولیه آن آشنایی داشته باشد به این واقعیت آگاهی دارد. پس اصرار "راه کارگر" که با چنین پی گیری نسوا شده، برای چیست؟ و چرا مداوماً تفکر ناقص کومله را مورد انتقاد قرار میدهد؟ جواب بسیار روشن است. "راه کارگر" این حکم بدیهی که "اشتلاف سازش ایدئولوژیک نیست" را مبنای دفاع خود از "هر نوع اشتلاف و اتحاد عمل سیاسی" قرار داده و بدون اینکه خود بخواید، بین این دو مسئله رابطه‌ای دیالکتیکی برقرار نموده، بدین صورت که متناسب با زیر ضرب گرفتن اولی به تقویت دومی می‌پردازد. "راه کارگر" با قلمفرسایی راجع به اشتلاف و اتحاد عمل "به لحاظ اصولی" در واقع درک محدود خود از اشتلاف را آشکار میکند. (گور) اینکه این استعداد بالقوه را هم دارد که صفحه‌های متعددی راجع به تأمین منافع پرولتاریا در اشتلاف سیاه کند! پذیرفتن مقوله اشتلاف بطور کلی یک چیز و برخورد سادی با آن در صحنه اجتماعی چیز

طیف توده‌ای و مواضع "راه کارگر"

دیکریست ، و درست به همین دلیل از قبول ممالحه بطور اعم (بعنوان يك نیاز مبارزاتی) پذیرش "هر نوع ائتلاف و اتحاد عمل سیاسی" ناشی نمیشود. هر ائتلافی در خدمت تحقق اهداف مرحله‌ای و مشترک نیروهای تشکیل دهنده آن است و بنا بر ماهیت تناسب و ۰۰۰ نیروها ، دامنه این اهداف تغییر نمی‌یابد. بنا براین تنها آن مصالحه‌ای برای پرولتاریا جایز است که به تقویت صف مستقل وی بیانجامد و در خدمت تکامل اجتماعی به سود نیروهای بالنده آن باشد. ممالحه را از نظر اصولی نفی کردن و هیچ گونه مصالحه‌ای را بطور کلی جایز نشمردن آنچنان عمل‌گودگانه‌است که حتی مشکل است آنرا جسدی تلقی نمود. اما سیاستمداری که میخواهد برای پرولتاریای انقلابی مفید باشد باید بتواند موارد مشخص مصالحه‌ای را که جایز نیستند و اپورتونیزم و خیانت را منعکس می‌سازند تمیز دهد و تمام نیروی انتقاد و تمام تیزی افشاکری بی‌امان و جنگ آشنی ناپذیر خود را علیه این مصالحه‌های مشخص متوجه سازد و اجازه ندهد که سوسیالیستهای پسر تجربه "کارگشته" و زروسیت‌های پارلمان نشین با دلیل تراشی در باره "ممالحه بطور اعم" از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند و طفره رونند. حضرات رهبران ترفیونیست‌ها و نیز جمعیت فابیائ‌ها و حزب "مستقل" کارگر همانا با همین شیوه از زیر بار مسئولیت خیانتی که مرتکب شده‌اند یعنی از زیر بار مسئولیت تن در دادن به آنچنان مصالحه‌های که معنای واقفیش بدترین اپورتونیزم و خیانت عدل است ، شانه خالی می‌کنند. (بیماری کودکی چپ روی در کمونیزم - لنین)

حال اگر "راه کارگر" عنوان کند که حرف خود را پس می‌گیرد و "هر نوع ائتلاف و اتحاد عمل سیاسی" را نمی‌پذیرد ، پس باید به يك سوال مشخص پاسخ دهد و آن اینکه ائتلاف با طیف توده‌ای، از انزوا خارج کردن آن و آماده کردن شرایط برای تقویت دو باره اپورتونیزم راست ، به کدام بخش از منافع پرولتاریا در این مرحله انقلاب باری می‌رساند؟

جالب اینجاست که "راه کارگر" برای توجیه ممالحه‌های که در خدمت از زیر ضرب خارج کردن خیانت کاران و شرکای بورژوازی قرار دارد، حتی به جملات سرورته زده‌ای از این هم متوسل میشود. پیش از آنکه به این شاهکار [بپردازیم ، نقل مختصری از تاریخ بلشویکها در روزهای ژوئیه ۱۹۱۷ (همان روزهایی که مقاله لنین بنام "در اطراف شعارها" نوشته شده و "راه کارگر" دست به جراحی آن زده است) برای واضح تر شدن مطلب ضرورست. در ۲۷ فوریه ۱۹۱۷ بدنبال پیکرشته اعتصابات گسترده کارگری و سپس مبارزه مسلحانه توده‌ها با پلیس و ارتش تزاری در پتروگراد ، کارگران و سربازان حاکمیت تزار را سرنگون ساختند. از این مقطع تا ۴ ژوئیه ۱۹۱۷ حاکمیت بدست دو نیروی عمده ادا شده میشد.

- ۱- حکومت موقت مرکب از منشویکها ، اس ارها و بورژوازی
- ۲- شوراهای سربازان و کارگران

تمام کوشش بلشویکها طی این دوره بسط مسالمت آمیز انقلاب با شعار "انتقال تمام قدرت بدست شوراهای" بود. اما در سوم ژوئیه نظاهرات کارگران و سربازان در انزجار از سیاستهای حکومت موقت توسط کادتها ، افسران و قزاقان به خون کشیده شد و بلافاصله پس از آن دهانتر پروادا وارگاس نه‌ای دیگر بلشویکها مورد تعرض شد انقلابیون قرار گرفت و بدین ترتیب موج تعطیل ، آزار ، اغساد و تبعید بلشویکها آغاز شد. (مقایسه کنید با ۴۰ خرداد سال ۶۰) رهبران منشویک و اس از بر این اقدامات سهر ناشد گذاشتند و با جلدان حکومتی ایران همبستگی کردند. (مقایسه کنید با ناشد خاستن توده‌ای و اکثریتی) این اقدامات صف بندیهای طبقاتی را دگرگون ساخت. منشویکها و اس ارها سازش خود با بورژوازی را با الحاق کامل بقان تکمیل کرده و از احزاب سازشکار با بورژوازی به احزاب دستیار شد انقلاب سیدل گشتند و بدین ترتیب حاکمیت بصورت کامل در اختیار بورژوازی قرار گرفت و "حاکمیت دوگانه" پایان یافت. حاکمیت جدید از ترکیب سران ارتش و کرنسکی تشکیل شده بود و با وجود اینکه در آن چند تن از منشویکها و اس ارها هم چشم می‌خوردند ، اما قدرت عملا در دست ارتش قرار داشت. در تعریف ماهیت این حکومت لنین می‌گوید:

"تسه‌تلی‌ها و چریف‌ها وزرای بدون قدرت هستند. آنها وزرای عروسکی و سران احزابی هستند که از جلاان پشیمانی می‌نمایند." (در اطراف شعارها - لنین)

و در جای دیگر چنین توضیح میدهد:

"قدرت حاکمه در دست دارو تسه‌تلی‌ها و کابیناکها (کرنسکی ، بعضی ژنرالها و افسران و غیره) است که از طرف بورژوازی بعنوان يك طبقه و در رأس آن حزب کادتها و نیز از طرف کلیه سلطنت طلبان ، که از طریق کلیه روزنامه‌های بانده سیاه یعنی "نومه‌ورمیا" و "ژبویه امیلوره" و غیره و غیره عمل می‌نمایند ، پشتیبانی می‌شوند" (همانجا)

در چنین شرایطی تمام نیروی بلشویکها باید روی نقطه‌ای که قدرت واقعی در آنجا متمرکز میشد و از هدر رفتن کوچکترین انرژی جلوگیری بعمل می‌آورد. پیروزی انقلاب در گرو شناخت مسئله اساسی آن یعنی قدرت حاکمه می‌باشد. تز لنین راجع به اشتباه خواندن "استتکاف از پشتیبانی اس ارها و منشویکها علیه شد انقلاب" به خاطر "انتقام جویی" از آنها دقیقاً در خدمت رسیدن به این هدف و زیر ضرب گرفتن سرکز اصلی قدرت هیات حاکمه ارائه شده بود، همچنین زمینه بروز انحراف از این مسیر یعنی گرایش‌های اخلاقی خرده بورژوازی را در نقطه از میان می‌برد. (توجه داشته باشیم که در واقع منشویکها و اس ارها هیچگونه اقدامی علیه شد انقلاب نکرده بودند و لنین تنها با طرح این مشکل عدم قدرت پاسخگویی تحلیل‌های مبتنی بر اخلاقیات خرده بورژوازی را ثابت می‌کند)

"راه کارگر" از این جمله لنین که می‌گوید:

"طرح مسئله بدین طریق (عدم پشتیبانی از منشویکها و اس ارها به خاطر انتقام جویی) اولاً به معنای انطباق مفاهیم خرده بورژوازی اخلاقی بر

پرولتاریاست" (در اطراف شعارها - لنین) چنین می‌فهمد که باید برای پرهیز از "دورپس‌نای اخلاقی" از اقدامات ضد انقلابی منشویکها و اس ارهای روسی و ایرانی چشم پوشیده و وظیفه افشا کردن دشمنان طبقاتی توده‌ها برای رابیل کسرمین اعتمادشان به تبلیغات دروغین آنها را به فراموشی سپرد. اینکه راه کارگر نفی گرایش‌های اخلاقی خرده بورژوازی را با استعدادی شگرف به ماکسولیم سیاسی تبدیل کرده به خودش برمی‌گردد ، اما دفاع راه کارگر از متحدین تاریخی خود تنها به همینجا ختم نمیشود. وی با آوردن بخشی از گفته لنین راجع به سران خیانتکار منشویک و اس از در مقاله "در اطراف شعارها" و حذف قسمتهایی از آن که مفهوم اصلی آن بخش را توضیح می‌دهند ، در حقیقت دست به يك جعل هم زده است و برای آشکار کردن آن ناچاریم که تمام جمله لنین را در اینجا ذکر کنیم:

"کسیکه اخلاقیات خرده بورژوازی را در سیاست وارد می‌نماید استدلالش چنین است: بفرس اینکه اس ارها و منشویکها با پشتیبانی از کابیناکها که پرولتاریا و هنگهای انقلابی را خلع سلاح نمودند مرتکب "اشتباه" هم شده باشند ، باز باید به آنها امکان داد اشتباه خود را "رفع نمایند" و امر رفع "اشتباه" را برای آنها دشوار ساخت" ، نباید گرایش خرده بورژوازی متزلزل را تسوی کارگران تسهیل نمود ، چنین استدلالی اگر قریب نباشد کارگران نماد چیزی جز ساده لوحی گودگانه با بطور صاف و ساده سفاهت خواهد بود. زیرا گرایش توده‌های خرده بورژوازی تسوی کارگران فقط و فقط در صورتی عملی می‌شود که این توده‌ها از اس ارها و منشویکها روی بر می‌نافتند. احزاب اس ارها و منشویک اکنون فقط در صورتی میتوانند "اشتباه" خود را رفع نمایند که تسره تلی و چرنسوف و دان راکیتنیف را دستیار جلدان اعلام دارند. سا کمالاً و بدون چون و چرا طرفدار چنین "رفع اشتباهی" هستیم. ۰۰۰" (همانجا)

"راه کارگر" با مدد گرفتن از قسمت آخر این بخش یعنی از "زیرا گرایش خرده بورژوازی ۰۰۰" و حذف قسمت‌های ابتدایی آن قصد لغای این مطالب را دارد که گویا "رفع اشتباه" اس ارها و منشویکها است که تا سنین گذشته نفوذ ایدئولوژی و سیاست پرولتاریا در بین توده‌ها و کشاندن خرده بورژوازی به دست اوست. مصرف داخلی این تحلیل ساختن پایه تئوریک برای ورود به ائتلاف با طیف ضد انقلابی توده‌ایست و با طرح تئوری "رهبران خاش" و "عناصر صادق" زمینه مادی آنرا نیز فراهم می‌کند ، اما انقلاب همانطور که در نمونه منشویکها و اس ارها اجازه نداد تا شرایط و فرصت دوباره‌ای برای تنفس احزاب بورژوازی پنهان شده در زوروی چپ ، بوجود آید ، این بار هم تئوریه‌های اپورتونیستی "راه کارگر" را برحمانه در هم خواهد کوبید. لنین درباره اوضاع پس از يك پایه شدن حکومت چنین می‌گوید: "ماهیت قشبه در این است که پیروزی بر این صاحبان جدید قدرت دولتی فقط از عهده توده‌های انقلابی برخاسته است که شرط جنبش آنان تنها رهبری شدشان از طرف پرولتاریا نبوده ، بلکه روی برگرداندن از احزاب اس ار و منشویک نیز که براه انقلاب خیانت

جاویدان باد هفتادمین سالگرد انقلاب کبیرا کتبر

از صفحه ۱

آمد و تبدیل به پایگاه مستحکمی برای مبارزه انقلابی پرولتاریا و خلقهای تحت ستم جهان گردید. اکنون در هر گوشه‌ای از جهان که مبارزه‌ای برای صلح و سوسیالیسم جریان داشته باشد تجارب انقلاب اکتبر و دست آورده‌های نوین سوسیالیسم همواره بکار گرفته میشود.

پیروزی انقلاب اکتبر صحت استراتژی و تاکتیک حزب بلشویک و مشی انقلابی آن تحت رهبری لنین کبیر را که با تحلیل علمی بر شرایط مشخص روسیه طرح ریزی شده بود، نشان داد. همچنین تحقق انقلاب اکتبر به معنای پیروزی اندیشه‌های لنین در برابر تمامی سازشکاران و رفرمیستهایی بود که انقلاب پرولتری در یک کشور و لزوم تهر انقلابی و اعمال دیکتاتوری پرولتاریا را نفی می‌کردند.

لنین دو سال پس از انقلاب اکتبر چنین گفت: "تاریخ به ما نشان داد که بدون قهر انقلابی کسب پیروزی ممکن نیست. بدون قهر انقلابی علیه دشمنان رسوای کارگران و دهقانان در هم شکستن مقاومت این استثمارگران ممکن نیست."

علیرغم فشارهای اقتصادی، سیاسی، روانی مخالفان اکتبر، سوسیالیسم رشد کرد و کیفیتهای نوین و اندیشه‌های تازه‌ای را به جامعه بشری عرضه نمود. سوسیالیسم موجود و جنبش‌های رهاشخصش در پیوند با مبارزه بین‌المللی طبقه کارگر تغییرات کیفی در عرصه بین‌المللی بوجود آورده است و دیگر سیستم امپریالیستی قدرت بلامنامع جهان نیست. جریان جهانی تکامل اجتماعی به دو سیستم سیاسی و اقتصادی بسط یافته است: سیستم کمونیستی و سیستم سرمایه‌داری.

سیستم کمونیستی جامعه‌ای است که در جهت مادیت بخشیدن آرمان‌های طبقة کارگر حرکت می‌کند. "بایستی برای جنگها، صلح در میان ملتها توقف چپاول و وحشیگری، اینچنین است ایده آل ما" (لنین مجموعه مقالات جلد ۴۲ چاپ مسکو)

سیستم امپریالیستی گسترش غارت و چپاول خلقها خصلت جنگه افروزی و ۰۰۰۰ و با‌لاخره نابودی بشریت.

اما علیرغم تلاشهای مذبحخانه امپریالیستها و نیروهای ارتجاعی در جهت ضربه زدن به سوسیالیسم موجود انقلاب در سطح جهانی پیش میرود. محیطه اقتدار امپریالیستها، انحصارات محدود می‌گردد. همچنین روند انقلابات جهانی و پیروزیهای بی‌بی آن صحت اندیشه‌های علمی مارکس و انگلس، لنین را که مبنی بر اجتناب ناپذیری نابودی نظام سرمایه‌داری و برقراری کمونیسم را به اثبات میرساند ما در سالروز انقلاب پر شکوه اکتبر، این پیروزی بزرگ عصر کنونی را به همه کارگران و خلقهای سراسر جهان، به همه احزاب و سازمانهای انقلابی و کمونیستی جهان، به مردم، دولت و حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تبریک و شاد باش می‌گوئیم.

طیف توده‌ای و مواضع "راه کارگر"

از صفحه ۷

حول حزب کارگر سوسیال دمکرات روسیه فورا می‌خواند: "قطعنامه‌ها و تصمیمات حزب کارگری سوسیال دمکرات روسیه"

این است سیاست لنینی در تعیین مناسبات پرولتاریا با خاشین، این است چگونگی کشاندن "غناصر صادق" بدنبال خود و در آخر این است آنچه که "راه کارگر" بی اعتقادی خود به مبنای عمده آنرا در هر کلام خویش تکرار می‌نماید. چرا که راه حل لنینی برای خرد کردن توهومات منتشره از سوی احزاب خاشین در بین توده‌ها، افشا، پیرحمانه و پیگیر ماهیت اپورتونیستی - خاشانه آنان به منظور از میان بردن نفوذشان است. لنین از اینها سواضع و بنیانهای فکری و اجتماعی اس ازها و منشویکها سخن میگوید و "راه کارگر" از آشتی ائتلاف و دادن فرصت برای جبران اشتباه دم می‌زند، سیاست انزوی طیف توده‌ای را شناساندن آنها به

مامورین امنیتی جمهوری اسلامی تعبیر وانحلالشان را چماق کشی می‌داند. بالطبع بگانه راه ممکن برای "راه کارگر"، نفوذ از درون و تشکیل بلوکهای ائتلافی برای جذب پایگاه اجتماعی طیف توده‌ای می‌باشد. این جوهره چیز است که "راه کارگر" می‌خواهد به خواننده بقبولاند.

سخن آخر اینکه کانال افشا و طرد خاشین به طبقه کارگر از درون مبارزه همه جانبه با تمام مظاهر آن می‌گذرد. تنها با تحکیم و پالایش صفوف سازمان سیاسی پرولتاریاست که سیاست و خط و برنامه این طبقه در عملکرد اجتماعی خود از تمام طبقات دیگر متمایز میشود و برای نیل به چنین هدفی ست که اهمیت شناخت ماهیت ائتلافها خود را نمایان می‌سازد. به بیان دیگر ائتلاف باید در خدمت سیاست کلی طبقه قرار گیرد و نه طبقه در خدمت آن ماهیت و سیاست عملی نیروهای شرکت کننده در هر ائتلاف تعیین کننده جهت گیری مشخص اجتماعی آن نیروست و به میل و اراده روشنفکران پرت افتاده از واقعیت یعنی، تعیین نمیشود.

روند اضمحلال و تلاشی جریانات حامل اینگونه تئوریا اکنون به مثابه آئینه تمام‌نمایی منعکس کننده نتایج نامطلوب این تئوریا است. از این تجربه‌ها باید درس گرفت، باید آموخت که تاریخ هیچگاه به عقب باز نمی‌گردد و آنانکه چنین سودایی را در سر دارند، سرنوشتی بهتر از انواع مشابه تاریخی خود نخواهند داشت.

جواد - شهریور ماه

ورزیده‌اند، می‌باشد، (همانجا) و در باره خط مشی بلشویکها در برابر منشویکها و اس ارها توضیح می‌دهد:

"از این قدرت اکنون خواه تیره تلی و چریکهای وزیر و خواه احزاب آنها پشتیبانی می‌کنند. باید نقش جلادانه این افراد و ناگزیری یک چنین "سرانجامی" برای این احزاب پس از "اشتباهات" آنان در ۲۱ آوریل، ۵ مه، ۹ ژوئن، ۲ ژوئیه و سپس از تأیید سیاست تهر، یعنی سیاستی که نه دهم پیروزی ماه ژوئیه کاپسناکها مرون است، برای مردم توضیح داده شود." (لنین - در اطراف شعارها)

در پایان رجوع به چند سند از اسناد تصویب شده کنگره ششم حزب بلشویک که از ۲۶ ژوئیه تا ۳ اوت ۱۹۱۷ برگزار گردید به هر چه مشخص تر کردن چگونگی برخورد بلشویکها با احزاب خاشین کمک خواهد کرد.

"سند ۱۷۶، قطعنامه شماره ۸: پیروزی این قیام بسته به این است که اکثریت مردم با سرعت و قاطعیت کافی دریاوند که امید سازش با بورژوازی که به وسیله احزاب منشویکها و سوسیال رولوسیونر ابراز و حمایت میشود، تا چه اندازه مصیبت بار است. سیر حوادث با قاطعیت بی نظیری بی پایه بودن این امید را اثبات میکند."

"سند ۱۸۱ در باره وحدت حزب: در این شرایط اولین وظیفه سوسیال دمکراسی انقلابی ایستادگی در افشای سیاستهای خاشانه منشویک - امپریالیستها برای توده‌های وسیع کارگران، و انزوی کامل آنان از حتی کمترین عناصر انقلابی درون طبقه کارگر است. از این رو هر گونه کوشش برای مصالحه با عناصر امپریالیست و انترناسیونالیست های انقلابی از طریق "کنگره وحدت" و به منظور ایجاد حزب سوسیال دمکرات واحد لطمه شدیدی بر منافع طبقه کارگر وارد خواهد کرد. بنا بر این کنگره با توجه به ضرورت انشعابی کامل و غیر قابل برگشت از منشویک - امپریالیستها، مخالفت قاطع خود را با چنین کوششهایی اعلام میدارد. سوسیال دمکراسی بر خلاف شعار خطرناک "اتحاد همگان" شعار انقلابی و طبقاتی - اتحاد تمامی انترناسیونالیستهای را که در واقع از منشویک - امپریالیستها بریده‌اند - را به پیش می‌برد. کنگره با اعتقاد بر اینکه این اتحاد ضروری و اجتناب ناپذیر است همه عناصر انقلابی سوسیال دمکراسی را به گسستن فوری روابط تشکیلاتی خود با دفاع طلبان و پیوستن به نیروهای

تظاهرات بزرگ هموطنان مقیم خارج کشور بدعوت هواداران مجاهدین در برابر مقر ملل متحد و اجلاس مجمع عمومی در نیویورک

رفقای سازمان در نیویورک در این تظاهرات شرکت فعال نموده و مبادرت به پخش اعلامیه‌هایی در این رابطه نمودند.

همچنین همزمان با این تظاهرات، تظاهراتی به دعوت مادران شهید و زندانیان سیاسی مجاهد خلق در فرانسه در مقابل دفتر نمایندگی سازمان ملل در پاریس برگزار شد.

بنا به دعوت اتحادیه انجمن دانشجویان مسلمان آمریکا (هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران) تظاهرات بزرگ اعتراضی علیه حضور نامشروع خائنه‌ای رئیس جمهور جنایتکار خمینی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، با شرکت بیش از ۱۰۰۰۰ تن از هموطنان مقیم خارج کشور در مقابل مقر سازمان ملل متحد در نیویورک برگزار شد.



روز ۶۶/۶/۴۰، نیروها فرهی، در يك اقدام جسورانه و در اعتراض به شرکت خامنه‌ای جنایتکار در مجمع عمومی ملل متحد، با فریاد مرگ بر خمینی خود را به آتش کشید و مناسفانه بعد از چند روز

جان سپرد. بناحیت این شهادت قهرمانانه مراسمی در تاریخ ۱۸ مهر ۶۶ در پاریس برگزار شد. سازمان ما، جنبه دموکراتیک ملی و تعداد دیگری از سازمانها

و شخصیت های سیاسی به این مراسم پیام دادند. پیام سازمان ما و جنبه دموکراتیک ملی و نیز آخرین دست خط نیروها فرهی در اینجا چاپ میشود.

« هرگز نپزد آنکه دلش زنده شد به عشق

تبت است در جردیه کی عالم روم ما »

دستگاه امنیتی به حضورنامه‌های جانان در سازمان ملل متحد و نیز اعتراض به سیاست های خارجی اولتراراست دولت ریگان، و همچنین اعتراض به مذبذبه زور آلوده و ناسوسیست های شاه‌الهی که هم‌پایان در جدیت باطنی جای نمیدیدند ایران پایداری می فشارد؛

فودر ایه آمش کی گیم

به این تعلق مرگ بی ستایم، چرا که عاشق مرگ نیستیم و به زندگی در سوختن باقی نماندیم. ایران ما را برادر مرگ تمام نیروی روم چون عاشق زندگی ما، و نیز مانند مرگ جان سوسی رسول دیگر، یک مدتی که: « آنکس که جان دلا به جانان می رسد... » دروغ گفته ام اگر بگویم که بی ترسیم و بی آنکه می شویم که مردم شهادت است. ما اگر شهروتن ایجاب کند و مرگ برای بدویم و شوق است شاید مرگ یک لحظه تا نوری داشته باشیم. خون من رنگین تر از خون ملق کرد، ما زبان حامله‌ای که انعام شده اند و باره‌ای که به شمع قرین اشکال شکنجه می گردند (واقع آن زبان که در سوزی لعل میار و فرسنگ مذهبی می رود بر این اسیر هستند) نیست؛ اگر چه شهادت، ایمنی و نورگی آمار اندام و طریق اولی به اندازگی آسانمانش نیستیم. ستایش‌هایی می در زندگی می حاصلیم و صدایم بده و ستایش‌هایی ام این بوده است که زنده به آن بپوشد که آرام و قرار نداشته‌ام. همین.

مرگ بر این باوریم جهان به سوگرتگی ایرونیایم آمریکا
مرگ بر نظام و انبیت فتنه
ماندو با بودیم ایامی خیزشیم ستایی
در روز به زندگی
در روز به آزادی
در روز به خلق قلماسی و خندیده می جان خودم
در روز به ایران و همه ی خلق که شادیم کنی آن
در روز به نیروها انقلابی و چپ ایران و جا
در روز به که بپوشد

آخرین دستخط نیروها فرهی

یمنی سیرگی تکتک فرب و دولت کشی

نیو سا فرهی

عاشق و دردمند و منتقد

هزار سازمان چریک ها خدای خلق ایران

با شرفه بیست و پنج ۱۹۸۷، تبعید (لوس آنجلس)

تذکار: آخرین در این نبرد که یک با آتش ازین در آیدم، دوست دارم رفیقان و هم‌دندان بدانند که هنگام نوشتن این یادداشت هنوز از زندگی می‌سازم هر دوام؛ به یادمانش لطیف کوش می دارم، شوای کس می نویسیم، هزار گاهی شکل کا لطیف و زیبای روی می سرسیم روی بودیم، نگاره به تصویر می که به او داشتیم و در این روز و تاریخ قرار است، مارکس، تواریکس و غیره است؛ یک کلام و اکنون نیز «عاشقانه» می از شدنا بودم خدایم خدایم که زنی به جان جانم بخواهم زره و دیوار می برآید و شاه می های برای روزی که می آید و دیگر که به آنها هم می آید، زود و بیلم، خدایم بپوشد، بیبی جان می خواهد که با ما باطنی از «بان انسان ها» می در این روز که در وقت می از بر تمام بر تمام می خواهد، خواهد بود... در این روز که در تمام جهان در کره ام و می دارم که در روز آینده هم به آنها فکر خواهیم کرد - امروز در آمریکا در زندان

رفیقان دوست ما زین اگر چه می عاشق همین می اندازد و دستمالی می گرداند، قرن ها پیش زندگی و مبارزه تپیل می است! ... یک کلمه فراموش نخواهم کرد که زندگی فقیر ریاست اگر چه در ایران ایستادگی کردستان، فلسطین، کشی، آل بالوار و... روزها خون جاری است. در این روز که این امتداد با می می خشم که اگر چه هستی مؤثر را در این روز که زین و محنت و روزی در کامل فرا خواهیم گرفت و این با شهادت رفیقان مذهبی در رفتار کامل است. با شرفه با دولت کشی

اخبار کوتاه

از صفحه ۲

به گزارش رادیو مجاهد، رزمندگان دلیر ارتش آزادیبخش ملی در تاریخ سوم مهرماه جاری در جریان تهاجم به پایگاه‌های دشمن در منطقه آن سردشت ۸ پایگاه، ۵ سنگر فرماندهی، ۲۱ سنگر اجتماعی ۵۰ سنگر انفرادی، ۴ سنگر خمپاره‌انداز و ۴ سنگر دوشکا، ۱ سنگر پدافند ضد هوایی، ۱۴ زاغه و ۲ انبار مهمات را منهدم کردند. در این تهاجم حداقل ۱۵۰ تن از مزدوران کشته و مجروح شدند. در این عملیات ۴۰ تن از افراد مستقر در این پایگاه‌ها تسلیم رزمندگان ارتش آزادیبخش ملی شدند. به گزارش رادیو مجاهد، رزمندگان ارتش آزادی بخش ملی در تاریخ سه شنبه ۲۱ شهریور ماه جاری با نفوذ به عمق ۱۰ کیلومتری پشت مواضع خط مقدم دشمن در منطقه مرزی شهر مهران، در منطقه‌ای به وسعت حداقل ۱۸ کیلومتر مربع در داخل خاک ایران مقر ستاد فرماندهی گردان حر از تیپ ۸۸ انصارالله ضای سپاه پاسداران و پایگاه مفتح را منهدم نمودند. بنا به همین گزارش در پایان این عملیات ۴۰ تن از پاسداران به‌هلاکت رسیده و ۱۰ تن از آنها زخمی شدند. همچنین ۱۸ تن از پاسداران از جمله فرمانده گردان به اسارت رزمندگان ارتش آزادیبخش ملی در آمدند. بنا به گزارش رادیو مجاهد، در تاریخ ۱۸ مهر ماه جاری یک تیپ از رزمندگان ارتش آزادیبخش ملی

پیام سازمان

نیوفا فرهی، در اعتراض به شرکت خامنه‌ای جنایتکار در مجمع عمومی ملل متحد و برای افشای رژیم سرکوبگر، جنگ افروز و قرون وسطایی خمینی در يك اقدام جسورانه و با فریاد، زنده به آیم گه آرام نگیریم، موجیم که آسودگی ما، عدم ماست، خود را به آتش کشید و پس از چند روز به شهادت رسید. او فریاد مبارزات قهرمانانه مردم ایران و مقاومت انقلابی را بدینگونه به اطلاع افکار عمومی جهان رساند. او سوخت تا راه بر از خون و آتش مبارزه برای نابودی جنگ، سرنگونی رژیم خمینی و برقراری صلح و آزادی را به جهانیان نشان دهد. شعله‌هایی که از بدن غرق در آتش نیوفا سر می‌کشید، انعکاسی از خشم خلق قهرمان ایران و آتش فروزان مبارزه قهرمانانه آنان بود. یاد نیوشای دلیر را گرامی داریم و خاطره او را با مبارزه برای ابرائی آزاد مستقل و دموکراتیک گرامی داریم. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرو برنامه (هویت)

پیام جنبه دموکراتیک ملی

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق نیوفا فرهی، فرزند خلف ایران، در اعتراض به جنایات رژیم خمینی و باران مرگ افزار فروش او جان پاک خود را که لبریر از عشق بود به آتش کشید تا افکار عمومی جهانیان را متوجه دوزخی کند که رژیم اهریمنی خمینی در وطن ما بها کرده است. نیوفا فرهی، شفته فرهنگ و ادب ایران گه زندگی را بخاطر آرمانهای و لای خود گه آزادی و استقلال میهن و برابری بین انسانها بود ستایش میکند، آگاهانه شرکت تلخ مرکز را سر کشید تا زندگی را راهگشا باشد. راه او راه ملت ایران، راه شرف و افتخار است او درس پایدردی و استنادگی را به بهای نثار جهان خود به شیفتگان راه آزادی مردم آسوخست. ما با یاد و احترام به او سوگند می‌خوریم تا همانند دهها هزار جوان بخون خفته ایرانی و دهها هزار دربند ساواکونی رژیم خمینی و استقرار حاکمیت مردم به تلاش خود ادامه دهیم. جنبه دموکراتیک ملی ایران

بنا بر گزارش اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان در خارج از کشور، در تاریخ ۱۳ شهریور ماه جاری در خیابان خمینی در زندان اوین خون هفت اسیر مجاهد قهرمان را بر زمین ریختند. نام یکی از این مجاهدان، مجاهد شهید اردلان سرداریان است. در صفحه ۱۰

مواضع دشمن در ۵ کیلومتری شهر قصر شیرین را مورد تهاجم قرار دادند. همچنین در این تهاجم قهرمانانه حداقل ۱۷۱ تن از مزدوران رژیم کشته و زخمی شدند و ۲۰ تن خود را تسلیم رزمندگان نمودند.

بیاد ۵ مهر

از صفحه ۱

خود حضور عنصر انقلاب را تداوم می‌بخشد، ضروری و انکار ناپذیر است. انقلاب علم است و انقلابی کسی است که به علم انقلاب مجهز باشد. نیش جامعه را در دست داشته باشد و بداند که نیاز جامعه‌ای که محتاج تغییر اساسی است، لیکن هنوز توانایی انجام بالفعل آنرا ندارد، چیست. هدف محاسبه ۵ مهر این بود و نتایج حاصل از آن نیز بروشنی نشان داد که قدم‌های بعدی چه باید باشند.

استقبال افشار مردم از این حماسه نشان داد که استبداد حاکم نتوانسته است بر روحیه مردم مسلط شود و عنصر مقاومت نوده‌ای را در هم بشکند. آنهایی که بر خلاف نیروهای متجمع در شورای ملی مقاومت عمل انقلابی را مدنظر داشتند، کناره‌گیری کردند، از همین محاسبه در سبب بسیار آموختند، لیکن جرات نداشتند تا به واقعیت انفعالی خود اعتراف نمایند و صرفاً بدین بسنده کردند که این محاسبه را تخطئه کنند.

برای انقلاب کردن باید در بطن انقلاب بود و عمل کرد و آنکس که در عرصه انقلاب نیست، عمل هم نمی‌کند و لذا "انتباه" هم نمی‌کند، "ریسک" نمی‌کند، "آزمایش" نمی‌کند، بلکه آنقدر مفتون رشد و تکوین خودبخودی اوضاع است که کاری جز انتظار کشیدن و حرافی‌های بی‌معنی ندارد. این چنین جریان‌ها حق اظهار نظر در مورد این مبارزه را ندارند، چرا که در آن سهیم نبوده‌اند. اینان تماشاچیان صحنه خون‌آلود مبارزه‌ی مردم و زندگی مقاومت و جانفشانی انقلابی هستند که پس از حماسه ۵ مهر در سناهیال اوین با بدنه‌های کبود از ضربات کابل سرود فتح و پیروزی را سر می‌دادند.

چه گووارا مدتها قبل در باره این قبیل عناصر گفت که آنها مانند تماشاچیان گلابی‌تورها و حیوانات درنده‌اند و در بهترین حالت ممکن است بسوی پیروزی گلابی‌تورها دست بزنند، در حالیکه انقلاب پیش از آنکه محتاج شوق یا منفذ باشد، محتاج شرکت‌کننده است و آنکس که بر خود نام انقلابی نهاد، باید مدتی تماشاچیان را ترک کرده و به صحنه مبارزه پا گذارد. اینجاست که میتوان منفذ هم بود و بر کاستی‌ها خرده گرفت. جز این اگر باشد بهتر است سکوت اختیار کنند و با حرافی‌های بی‌پایه خود گوش‌رزمندگانی را که گوششان بسوی صدای گلوله و رگبار و فریاد پیروزی عجب است نیازمند.

۵ مهر حماسه‌ای تاریخی بود و ارزش آن اگر امروز کاملاً آشکار نشده باشد، در آینده بیشتر آشکار خواهد شد و ارزش خونهایی که در راه آن بر زمین ریخته شد عیان خواهد شد.

مرود به روان پاک شهید ۵ مهر

زنده باد مبارزه مسلحانه

مرکز بر رژیم ضد خلقی خمینی

زنده باد صلح، آزادی و سوسیالیسم

سچفا - پیرو برنامه (هویت) - تهران

واحد فدایی شهید منصور اسکندری

۶۶ ماه مهر

بیاد رفیق اسکندر



خیابان آزادی و میدان نواب بود.

گرایش سکتاریستی در سازمان همواره بهانه‌های مختلف از اعلام خیر این عملیات جلوگیری نمود و نهایتاً پس از حاکم شدن بر سازمان با نفی عملیات مسلحانه انقلابی عدم اعتقاد خود را به راه رفقای شهید اعلام نمود. ما در سالگرد شهادت این رفقا یاد آنها را گرامی داشته و با اعتقاد به مبارزه مسلحانه انقلابی و با تلاش برای سازماندهی توده‌ها در واحدهای مخفی مقاومت در جهت سرنگونی رژیم خمینی و استقرار صلح و آزادی، راه آنها را ادامه می‌دهیم.

روز ۱۳ مهر ۱۳۶۰ فدایی شهید رفیق قهرمان سیامک اسدیان (اسکندر) همراه دو رفیق فدایی دیگر به ناسپای مسعود بربری و علیرضا صدیقی پس از عدم موفقیت در یک عمل ممانده بانک، طی درگیری قهرمانانه و حماسی با مزدوران سپاه در جاده آمل - تهران به شهادت رسید. فدایی شهید رفیق اسکندر یکی از صادق‌ترین و پر شورترین اعضا سازمان در سالهای قبل از قیام و نیز یکی از پرکارترین، مومن‌ترین کادرهای سازمان پس از قیام بود.

وی یکی از آرزومندترین و شجاع‌ترین کادرهای نظامی سازمان بود. وی پس از انشعاب چریک‌ها موسوم به اکثریت، بعنوان مسئول نظامی شاخه کردستان روانه منطقه شد و خیلی زود توانست نقش برجسته‌ای در مبارزه خلق کرد و در رشد سازمان پیدا کند. رفیق اسکندر پس از ۳۰ خرداد ۶۰ به عضویت کمیته مرکزی سازمان درآمد و در اولین جلسات مرکزیت سازمان مساله در دستور قرار گرفت. عملیات نظامی را طرح و این مساله مورد تصویب قرار گرفت. رفیق اسکندر طی مدت کوتاهی توانست ۱۴ عمل نظامی را رهبری و هدایت نماید. از جمله این عملیات چند بار حمله به کمیته ضد خلقی

اخبار کوتاه

از صفحه ۹

بنا بر گزارش خبرگزاری رویتر، مجلس سناي آمریکا در تاریخ ۷ مهر سال جاری تحریم نفت خام ایران و دیگر واردات تولیدی منطقه منسوجات و پسته از ایران را مورد تصویب قرار داد. بنا به همین گزارش تحریم مزیور بعنوان یک تهمته به لایحه دفاعی ۱۹۸۸، توسط سناتور رابرت دول یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری در انتخابات آتی و رهبر حزب جمهوریخواه در سناي آمریکا تنظیم

گردیده است و با ۹۸ رای موافق و بدون رای مخالف از تصویب نمایندگان در مجلس سنا گذشته است.

همچنین در این گزارش در مورد میزان واردات نفت خام آمریکا از رژیم خمینی بنقل از یک مشاور بلند پایه در موسسه خاورمیانه در واشنگتن، آمده است که " طی سه سال گذشته واردات کالاهای ایران سالانه بطور متوسط ۷۰۰ میلیون دلار، منجمده ۶۰۰ میلیون دلار نفت بوده است که از ماه معواردات آمریکا از ایران شدیداً افزایش یافته و ۷۰۰ میلیون دلار تنها برای دوره‌ی سه تا روشن بالغ شده بود. "

سید مهدی هاشمی اعدام شد

سراجم پس از مدتها کشکش، در تاریخ ۶ مهر اسال بیدادگاه ویژه روحانیت برای سید مهدی هاشمی حکم اعدام صادر کرد و این حکم همان روز به اجرا درآمد. روشن است که سید مهدی هاشمی به خاطر جراتی که در کفایت خواست و حکم دادگاه بدان اشاره شده، اعدام نشده است چرا که این جرات در اوج قدرت سید مهدی هم برای همه روشن بود. واقعیت اینست که سید مهدی هاشمی بخاطر رساندن اخبار رابطه رژیم با آمریکا به نشریه الشراع اعدام شد. بدین ترتیب رژیم در اوج بحران درونی، یکی دیگر از جریانات درونی خود را بسود حفظ کسل حاکمیت بی‌آبنده‌اش از دور خارج کرد.

دانش آموزان :

در آغاز سال تحصیلی جدید

با قلبی سرشار از کینه نسبت به رژیم خمینی،

با تشکیل هسته‌های مخفی به مبارزه خود

علیه رژیم ادامه دهید . سچمنا - پیرو برنامه (هویت)

تهران . واحد فدایی شهید منصور اسکندری



پاسخ به يك نامه

یکی از هواداران سازمان برای نبرد خلق نامه‌ای نوشته و در آن مطالبی پیرامون نشریه نبرد خلق عنوان نموده است. ضمن تشکر از این رفیق، از آنجا که نامه‌هایی با همین مضمون باز هم دریافت کرده‌ایم لازم میدانیم پیرامون مطالب این نامه، تذکراتی را به اطلاع رفقا برسانیم. اما نخست متن نامه‌ی این رفیق را بطور کامل چاپ میکنیم:

"با امید به گسستن زنجیرهای اسارت و بردگی کارگران و کشاورزان زحمت کش کشورمان، بسرای رهایی از تمامی قید و بندهای ضد تکاملی و ساختن جامعه ایده‌آل سوسیالیستی، و با آرزوی موفقیت برای رفقای دست اندر کار نشریه نبرد خلق، بدینوسیله و تالیف خود میدانم که در جهت رشد و تکامل نشریه نبرد خلق که میتواند وسیله بسی باشد در جهت آگاهی طبقه کارگر و خلق‌های تحت ستم ایران، نظرات خود را عنوان کنم.

مهم‌ترین مسئله‌ای که در بین ما هواداران سازمان در خارج از کشور وجود دارد ضعف تئوریک می‌باشد که بدلیل ضعف مالی نمیتوانیم در جهت رفع آن بکوشیم. به همین خاطر مسئولان نشریه میتوانند با اختصاص دادن نیمی از صفحات نشریه به مسائل تئوریک، البته با بیانی ساده در پرورش رشد طبقه پرولتاریا بکوشند. نکته دیگر، شما رفقا نمیتوانید تاریخ جنبش کمونیستی ایران را از ابتدا تا به امروز در نشریه نبرد خلق منعکس کنید. که این کار میتواند در جهت مبارزه‌ی سخت و دشواری که در مقابل امپریالیسم و ارتجاع در پیش رو داریم مفید واقع شود. در آخر به امید روزی که پیروز امپریالیسم و ارتجاع را بر خاک مالیم و با پیروزی بر آنها، برای تضمین صلح و آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک توده‌ها در ایران بکوشیم."

مجید - ۸۷/۹/۱۷

همانگونه که ملاحظه میشود، رفیق مجید از نشریه نبرد خلق خواسته است که نیمی از صفحات آنرا به مسائل تئوریک اختصاص دهد. در رابطه با این خواست باید تذکر بدهیم که نشریه نبرد خلق یک نشریه تئوریک نیست، بلکه ارگان سیاسی سازمان است و به مسائل سیاسی و موضع‌گیریهای سیاسی می‌پردازد. ضمن اینکه در مواردی که لازم باشد و بنحوی به مسائل سیاسی روز مربوط شود، مقالاتی در برخورد با مسائل مشخص، که بیشتر جنبه تئوریک دارد، چاپ میکنند. اما نبرد خلق نمیتواند در شرایط کنونی، نیمی از صفحات خود را به مسائل تئوریک اختصاص دهد. زیرا در اینصورت از مسائل سیاسی و موضع‌گیریهایی که لازمه بسط سازمان فعال سیاسی است، باز می‌ماند. ضمن اینکه باید به اطلاع رفیق برسانیم که اگر حتی ما یک نشریه تئوریک هم داشتیم (که در شرایط کنونی بعثت یک مجموعه دلایل نمیتوانیم داشته باشیم) در آن نمی‌توانستیم، مبنای پایه‌ای مارکسیسم را در نیمی از صفحاتش چاپ کنیم. زیرا اولتیماتی

رژیم خانواده‌های پیشمرگان
را بار دیگر مورد تهدید
و فشار قرار داده است

تازگیها بار دیگر ارگانهای سرکوب رژیم در کردستان موج جدیدی از تهدید و فشار بر روی خانواده‌های پیشمرگان وارد آورده اند. سابقه تهدید و فشار بر روی خانواده‌های پیشمرگان از معسذ از استقرار کامل نیروهای رژیم در شهرهای کردستان است که در سالهای ۶۰ تا اواخر ۶۲ به اوج خود رسید، سپس در اثر اعتراضات مردم و خانواده‌ها، رژیم ناچار به عقب نشینی گردید. در فاصله سالهای ۶۰ تا ۶۲ رژیم اکثر خانواده‌های پیشمرگان را بنه نقاط دور دست تبعید نمود و آنها را در اردوگاهها بی اسکان داد. یکی از این اردوگاهها در حواله‌ی دامغان واقع شده بود که بعدها خانواده‌ی متعددی در آن اسکان داده شده بودند. اکنون بار دیگر اسواوک خمینی این خانواده‌ها را همچون سایر خانواده‌های مبارزین در سراسر ایران تحت فشار قرار داده و از آنها می‌خواهد تا فرزندان پیشمرگانشان را به دامغان رژیم بازگردانند. در غیر اینصورت یا به زندان می‌افتند و یا تبعید می‌گردند و یا اموالشان توسط رژیم غارت میشود. در یکماه اخیر (شهریور) این خانواده‌ها در شهرهای سنندج، سقز، بوکان و مهاباد بطور منظم تحت فشار قرار گرفته‌اند و تعدادی از آنها اکنون بر زندانیهای رژیم بلاتکلیف بسر می‌برند. عده‌ای هم ناچاراً خانه و زندگی خود را ترک کرده و با نزد فرزندان خود رفته و با رفاه‌ی جاهلی دیگر شده‌اند. رژیم خمینی بار دیگر با شکست مواجه خواهد شد و در برابر اتحاد و پایداری این خانواده‌ها و خلق کرد به زانو در خواهد آمد و آنچه را هدف خود از این سیاست ضد انسانی قرار داده بر آورده نخواهد شد و تنها کینه خلق قهرمان ایران را نسبت بخود عمیق‌تر خواهد نمود.

این مبنایی در جزوات جداگانه (و البته با قیمت‌هایی نه چندان گران) قبلاً چاپ شده است. و در تاسی در آنصورت از مسائل تئوریک مربوط به جنبش نیز باز می‌ماندیم. برای اطلاع رفیق باید بگوئیم که مثلاً در رابطه با مبنایی مارکسیسم نمیتوانید جزوه کوچک، اما بسیار غنی لمن تحت عنوان "سه منبع و سه جزء مارکسیسم" را مطالعه کنید و بسا در رابطه با جنگ میتوانید جزوه بسیار پر ارزش لمن تحت عنوان "در باره جزوه یونیوس" را مطالعه کنید. قیمت این دو جزوه، کمتر از مزد یکساعت کار یک کار کاملاً ساده مثلاً در آلمان یا فرانسه است. در مورد تاریخ جنبش کمونیستی ایران هم، شما میتوانید تاریخ ۳۰ ساله رفیق جزئی را مطالعه کنید. در آثار به زبان فارسی، هیچ اثری مقیدتر از این کتاب نمیتوانید پیدا کنید. ضمن اینکه چاپ این اثر در نبرد خلق مقدور نیست. در خاتمه یکبار دیگر از توجه رفقای که برای ما نامه می‌نویسند، تشکر می‌کنیم.

برخی از رویدادهای تاریخی

از صفحه ۱۲

۱۳۵۷- شروع اعتصاب بزرگ کارگری و کارمندی و بنحمله اعتصاب کارگران پالایشگاه نفت شیراز نساجی بزرگ، ذوب آهن اصفهان، گمرک جلفا، گمرک بندر شاهپور، معلمان سراسر ایران، نفت آبادان گروه صنعتی بهشتر - نفت اهواز - نفت خارك و ۱۳۵۷- به آتش کشیده شدن مسجد جامع کرمان توسط امیرالایسم و ارتجاع

۱۳۵۸- بخون کشیدن میادان بندر انزلی توسط مزدوران رژیم خمینی

۱۳۵۹- آغاز جنگ ارتجاعی ایران و عراق

۱۳۶۰- تظاهرات قهرمانانه و مسلحانه میلیشیای مجاهد خلق با شعار مرگ بر خمینی

۱۳۶۰- اعلام برنامه دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی توسط آقای مسعود رجوی

۱۳۶۰- بهلاکت رسیدن حجت الاسلام سید عبدالکریم هاشمی نژاد، از سران جناح‌تک رژیم خمینی توسط عملیات انتحاری مجاهدین خلق و شهادت رسیدن مجاهد قهرمان هادی علویان در این عملیات انتحاری

۱۳۶۱- بهلاکت رسیدن اشرفی اصفهانی، امام جمعه جنایت کار رژیم خمینی در کرمانشاه توسط عملیات انتحاری مجاهدین خلق خارجی:

۱۸۱۶- تولد اوزن پوئیه کارگر فرانسوی و سراینده سرود انترناسیونال

۱۸۶۴- تشکیل بین الملل اول به ابتکار کارل مارکس

۱۸۸۹- تولد جان رید روزنامه نگار انقلابی آمریکایی و نویسنده اثر مشهور "ده روری که دنیا را لرزاند"

۱۹۲۵- بنیان گذاری حزب کار گره

۱۹۲۵- اعلام موجودیت "فدراسیون سندیگایی جهانی"

۱۹۴۹- اعلام جمهوری خلق چین

۱۹۴۹- تشکیل جمهوری دمکراتیک آلمان

۱۹۵۷- یرتاب نخستین ماهواره جهان (اسپوتنیک) توسط اتحاد شوروی

۱۹۶۵- بنیان گذاری حزب کمونیست کوبا

۱۹۶۵- کودتای ارتجاعی و خونین ژنرال سورهاشو علیه دولت ملی سوکارتو و قتل عام کمونیست های اندونزی

۱۹۶۸- شهادت انقلابی کبیر، کمونیست برجسته آمریکای لاتین، رفیق ارنستو چه گوارا

۱۹۷۰- درگذشت عبدالناصر فقید رئیس جمهور مصر

۱۹۷۲- شهادت رفیق میکل انریکز عضو رهبری میسر در شیلی

۱۹۷۳- درگذشت پابلو نرودا شاعر مبارز و آزاده خلق شیلی

۱۹۷۳- استقلال کینه بوساوا

۱۹۸۰- تاسیس جنبه فارابومارتی در السالوادور

۱۹۸۶- سامورا ماشل رئیس جمهور موزامبیک و رهبر جنبش استقلال طلبانه مردم موزامبیک، در بسک نوطه هوایی به قتل رسید.

گسترش فقر

ولیمید معزول خمینی در نیداری که با بهزاد نبوی وزیر جنایتکار صنایع سنگین و معاونین این وزارتخانه و همچنین مسئول گروه بیمه‌های اجتماعی و معاونین وی در روز سه شنبه ۲۲ تیر ماه گذشته داشت با لایحه به شکست به اصطلاح برنامه‌های اقتصادی رژیم اعتراف کرد و از اختلاف روز افزون سطح رشد پایه‌های اقتصادی " مستضعفین در مقابل مستکبرین" اظهار اضطراب و وحشت نمود. وی در قسمتی از سخنانش به وضعیت وخیم کارمندان می‌پردازد و می‌گوید: " الان مستضعف ترین افراد حقوق بگیران دولت هستند و با اینکه نرخها ترقی کرده است ولی حقوق‌ها همچنان ثابت می‌باشند." (کپهان رژیم ۲۵ تیر ماه)

این جنایتکار در ضمن اظهار این مطلب که " البته باید تحمل کرد" به چاره جویی برای این مشکل می‌پردازد و در ادامه می‌افزاید: " برداخت سوسید در شهرها باعث میشود که روستا و مراکز تولید خالی شود و حاشیه نشینی در شهرها افزایش یابد، باید با حذف سوسید در شهرها و مصرف آن در زمینه تهیه وسایل و امکانات تولید در روستاها افرادی که به شهرها آمده‌اند جذب کارهای تولیدی در روستاها شوند." (همان منبع)

البته تمام گفته‌های منظری بر حول ساله حذف سوسید است. والا همه میدانند که اختصاص امکانات برای روستاها چیزی جز یک شعار توخالی نیست. وضعیت وخیم کشاورزی خود گویای این امر است. راه دیگر منظری برای حل این مشکل نشانه دیگری از عوامفریبی است: " اگر لازم باشد بیش از ساعت مقرر اداری هم کار کنید که این خود یک عبادت است." (همان منبع)

ضمنا در جای دیگری خود به افشای فریبکاریهای مزدوران رژیم در حل مشکلات و " اختصاص امکانات به مستضعفین" پرداخته و اظهار میدارد: " بهر حال کلیه طرحها و برنامه‌ها باید منجوی باشد که نفع مستضعفین باشد نه اینکه همیشه شمار حمایت از مستضعفین را بدهیم و مستضعف همچنان مستضعف بماند." اما در آخر منظری جنایتکار آشکار می‌سازد که اینهمه سنگ دفاع از " مستضعف" به سینه کوبیدن برای چیست و بخوبی رعب و وحشت رژیمش را آشکار می‌سازد: " اگر این مشکلات با برنامه ریزیهای صحیح بدست ما حل نشود گروههای ضد اسلامی ما اینکه طرفدار مستضعف نیستند و در جایی خرمسها را آتش می‌زنند و در جای دیگر کارگر مستضعف را ترور میکنند اما با همین شمارهها جوانپا را از ما می‌گیرند چنانچه بعد از انقلاب عده‌ای را گول زدند." منظری این یکی را خوب فهمیده و می‌داند که دیگر راهی برایشان باقی نمانده و همین جوانپا و خلق‌بیا خواسته، روزی که چندان دور نیست، حلقوم کثیف‌شان را خواهند نشت و لاشه متعفنشان را به زباله‌دان تاریخ پست خواهند کرد.

برخی از رویدادهای تاریخی

داخلی:

۱۲۲۸ - تولد ستارخان، سردار ملی ایران
۱۲۸ - تشکیل نخستین گروه سوسیال دمکرات

در تبریز

۱۳۰۰ - شهادت حیدر خان عمو اوغلی از رهبران برجسته حزب کمونیست ایران

۱۳۱۸ - شهادت فرخی بزدی شاعر مبارز ایران

۱۳۲۰ - تصویب قانون عفو عمومی زندانیان سیاسی در مجلس دوازدهم ایران

۱۳۲۴ - امضاء قراردادهای نظامی بین دولت شاه و آمریکا برای افزایش نفوذ امپریالیسم امریکایی در ارتش شاه

۱۳۲۸ - تشکیل جبهه ملی توسط دکتر محمد مصدق

۱۳۳۱ - قطع مناسبات سیاسی ایران و انگلیس توسط دولت دکتر مصدق

۱۳۳۲ - رسمیت یافتن موافقت نامه ساعد - دریفوس که به موجب آن ژاندارمری برای " تجدید سازمان" در اختیار افسران امریکایی قرار گرفت.

۱۳۳۲ - اولین تظاهرات مردم بعد از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد

۱۳۳۲ - امضاء قرارداد های جدید رژیم امریکایی شاه با دولت امریکا برای ورود کالاها بیشتر به ایران و تعاقب امریکا از حقوق گمرکی

۱۳۳۳ - تظلم‌ها و نخبستین گروه از افسران مبارز وابسته به حزب توده

۱۳۳۴ - پیوستن دولت شاه به پیمان سلنتو

۱۳۳۷ - اعتصاب ۵ روزه کارگران بخش شاپور

۱۳۴۲ - آغاز محاکمه متهمین کاخ مرمر

۱۳۵۰ - شهادت رفقا همایون کثیری، هوشنگ تر گل ناصر کریمی، بهرام طاهر زاده، ناصر مدنی، از گروه آرمان خلق

۱۳۵۱ - شهادت مجاهد خلق، مهدی محسن در درگیری با مزدوران ساواک شاه

۱۳۵۲ - اعتصاب کارگران ماشین سازی تبریز

۱۳۵۵ - شهادت مجاهد خلق مهدی میرمادقسی در درگیری با مزدوران ساواک شاه

۱۳۵۷ - انتقال خمینی از عراق به کویت و سپس به پاریس در صفحه ۱۱

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات
سازمان در امریکا و کانادا با آدرس زیر
مکتبه کنید

HOVE, YAT
P.O. BOX 2891
RESTON, VA 22090

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات
سازمان با آدرس زیر مکتبه کنید

F. ASSELIN
B.P. 311
75229 PARIS
CEDEX 05
FRANCE

برای فتح قله‌های شهدای فدایی
پرصلابت عشق؛ مهرماه
عشق به آزادی؛
عشق به مردم؛
عشق به برابری؛
یامرگ پایپروزی.

رفقای فدایی:

چنگیز قبادی - محمد علی سالمی - سید نوری
حسن حامدی مقدم - غلامرضا صفری - حسین علیزاده
رحمت شریفی - حسن جلال تاشینی - لقمان مدائن
جهانشاه سمعی اصفهانی - محمد رضا فرشاد - ژسلا
سیاب - پروین فاطمی - اسماعیل بید شهری - زهرا
بید شهری - معطفی رسولی - مهرانوش ابراهیمی
منوچهر بهایی پور - سید احمد لاری - کرامت قبادی
سیامک اسدیان (اسکندر) - مسعود بربری - علیرضا
صفری - فریبا شمیمی - ابراهیم شفیعی - علی حسن
پور - محمد کس نژادی - غلامحسین - ونژ نژاد
پرویز عبداللهیان - خیرالله حسنوند - مهدی خانزاده
عبدالله یزدانی - علی محمد نژاد - مریم توسلی
فاطمه روغنچی - عزت الله معلم - سید ربیع حسینی
رمضان قربانی - شهسوار سفیدی - جعفر دلیر بهرام
بلوکی - روح الله العالی - غلامحسین مجیدی - احمد
سلیمانی - عباس گودرزی - حسن بیعت - حسن جان
لنگوری - کامران علوی - فریاد فرجاد - احمد کیانی
از سال ۵۰ تا کنون در پیکار علیه امپریالیسم
و ارتجاع و برای رهایی و سوسیالیسم توسط مزدوران
رژیم های شاه و خمینی شهادت رسیدند.



آخرین خبر

در آخرین لحظاتی که صفحات نشریه بسته میشد
خبر چهارمین عملیات پیشمرگان فدایی در منطقه
پیرانشهر را دریافت کردیم که خبر کامل آنرا در
شماره آینده نبرد خلق چاپ می‌کنیم.

باکمک‌های مالی خود سازمان را در

انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز
سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه
انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک‌های مالی شما
نیازمند است.
کمک‌های مالی خود را بهر میزان که باشد، یا
مستقیما بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی
سازمان مندرج در همین صفحه نشریه واریز کرده
و قبض رسید و یا فتوکپی آنرا به آدرس صندوق پستی
سازمان در فرانسه ارسال دارید.

حساب بانکی جدید

SOCIÉTÉ GÉNÉRALE
نام بانک
BOULOGNE - S. - SEINE
آدرس بانک

03760 کد گیشه
00050097851 شماره حساب

MME R-T_TALAT نام صاحب حساب

زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم